

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل سیزدهم :

راز تقدیس خادمین کلیسا

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت سوم : روح القدس از راه کلیسا به مسیح شهادت می دهد

فهرست

| | |
|-----|--|
| ۶۹۳ | فصل سیزدهم: راز تقدیس خادمین کلیسا |
| ۶۹۳ | ۱. مقدمه |
| ۶۹۳ | الف. کلیسایی که عیسی نمود |
| ۶۹۵ | ب. کلیسا قوم کاهنان |
| ۶۹۵ | ج. خادمین گوناگون |
| ۶۹۶ | ۲- در آیین کلیسا، اقف به عیسای مسیح وقف می شود |
| ۶۹۶ | الف. سه اسقف، از جمله یک پاتریارک برای تقدیس یک اسقف |
| ۶۹۹ | ب. نیایش قدیم، به ایمان مسیحیان شهادت می دهد |
| ۷۰۱ | ج. نیایش کلیسای شرق: |
| ۷۰۱ | ۱. اسقف، جانشین رسولان باید مژده را اعلام کند |
| ۷۰۲ | ۲. اسقف بر آیین کلیسا ریاست می کند |
| ۷۰۴ | د. اسقف، داماد و پدر کلیسای خود می باشد |
| ۷۰۶ | ه. وظیفه اسقف نسبت به کلیسای خویش و نسبت به همه کلیساهای محلی چیست؟ |
| ۷۰۷ | «خلاصه ی تعلیمات رسمی» |
| ۷۰۹ | ۳- مسئولان کلیسا، امروز اسقفان در کلیاس ما |
| ۷۰۹ | الف. یک اسقف برای یک کلیسای خاص |
| ۷۱۲ | ب. قانون اساسی: مشورت و همکاری مابین تمام مراتب مسئولان |
| ۷۱۶ | ج. پاتریارک ها و مسئولیت ایشان |
| ۷۲۱ | د. کاردینال ها |
| ۷۲۲ | ه. اسقف شهر رم و ماموریت او به عنوان پاپ در کلیسای جهانی |
| ۷۲۵ | «خلاصه ی تعلیمات رسمی» |
| ۷۲۶ | و. اجتماع مختلف اسقفان: مجامع محلی و شوراهای جهانی |

| | |
|-----|--|
| ۷۲۷ | «خلاصه ی تعلیمات رسمی» |
| ۷۲۸ | ز. کوشش فعلی: ما بین تمایل و گریز از مرکز |
| ۷۲۹ | ۴. یاران اسقف |
| ۷۳۰ | الف. اهمیت مقام و ماموریت کشیشان |
| ۷۳۴ | ب. اهمیت و مقام زن در کلیسا |
| ۷۳۷ | ج. ماموریت شماسان |
| ۷۳۸ | د. ماموریت و مقام راهب و راهبه ها |
| ۷۳۹ | ۵. نتیجه گیری: اقتدار عیسی و اطاعت از او، یکتا شبان بزرگ |

فصل سیزدهم

راز تقدیس خادمین کلیسا

تا بدانی هر که را یزدان بخواند از همه کار جهان بی کار ماند
هر که را باشد ز یزدان کار و بار یافت بار آنجا و بیرون شد ز کار (مثنوی، اول، ۲۱۲۰-۱)

۱- مقدمه

در طول این باب، بایستی به خود یادآوری نماییم که آن چیزی را که قبلاً درباره ی کلیسای محلی بحث نمودیم با این بحث مرتبط است، زیرا طبعاً اسقف با کلیسای خاص خود ارتباط تنگاتنگ دارد. ابتدا به چند نکته ی مقدماتی می پردازیم که به ما کمک خواهند نمود تا افکارمان روشن تر شده و حیات کلیسای خود را بهتر درک نماییم.

الف - کلیسایی که عیسا تأسیس نمود:

می دانیم که عیسا کلام خدا را اعلام نمود و چه طور شاگردان را جمع کرد. از میان ایشان گروه هفتاد و دو شاگرد را انتخاب کرده و پیشاپیش خود فرستاد تا ملکوت خدا را اعلام نمایند. اما به ویژه از میان همه ی شاگردان دوازده نفر را برگزید و آنان را به عنوان رسول استوار ساخت و به حضرت پطرس مسئولیتی خاص در بطن این گروه داد. عیسا این دوازده رسول را ستون هایی قرار داد که بر ایشان کلیسای خود را بنا نهاد و نیز مسئولیت گردآوری قوم جدید خدا با قدرت روح القدس را به ایشان سپرد، همان طور که قوم قدیم خدا بر دوازده فرزند یعقوب (پید ۴۹) بنا نهاده شده بود. اینک به نکاتی چند که بعداً بیشتر مطالعه خواهیم نمود دقت کنیم:

- * هیچ کدام از شاگردان عیسا به تنهایی دعوت نشده و نمی تواند به تنهایی باقی بماند.
- * عیسا به کلیسایی که بنا نهاد سازماندهی عطا نمود و مسئولیت های مختلفی بین اشخاصی که خود برگزید تقسیم کرد.
- * این شاگردان نبودند که چنین سازماندهی به خود دادند بلکه کلیسا عطیه ی خداست و بایستی آن را در فروتنی و وفاداری از او پذیرفت.
- * خادمینی که عیسا انتخاب نمود یک گروه را تشکیل می دهند. هیچ یک از آنان نمی تواند جدا از گروه و جدا از کلیسایی که برای آن تعیین شده عمل کند.

*بالاخره هیچ کس نمی تواند خودش را مسئول تعیین کند بدون این که خود شخص عیسا او را برای چنین مسئولیتی انتخاب و تقدیس نماید. بنابراین بایستی توسط رسولان و جانشینان عیسا انتخاب و تقدیس گردد.

قبل از این که عیسا به آسمان صعود کند روح القدس را منتقل ساخت و به رسولان مأموریتی واگذار کرد. اما زمانی که رسولان سالخورده تر می شدند و احساس می نمودند که زمان ارتحالشان نزدیک تر می شود، شاگردان را بدون کلیسا همراه با ساختار منظم و سلسله مراتب مسئولان، همان گونه که عیسا به ایشان داده بود، رها نمودند. بر حسب آیینی بسیار قدیمی، رسولان دست های خود را بر کسانی که برای ادامه ی وظیفه شان انتخاب نموده بودند، نهادند. و بدین صورت، جهت مأموریتشان روح القدس را منتقل ساختند.

در این باره، نگاهی به عهد جدید بینکنیم که چگونه این تحول کلیسای اولیه، تحت هدایت روح القدس آن را بیان می کند، تا بتواند در مأموریت خود وفادار مانده و ترتیبی اتخاذ نماید تا بعد از مرگ رسولان، با انتخاب مسئولین، آن راه را ادامه دهد.

این مسئولین جدید به نام های مختلف خوانده شده اند: یعنی « پیران یا مشایخ » بیشتر در کلیساهایی که از یهودیت نشأت گرفتند به کار می رفت (۱- تیمو ۴: ۱۴، ۵: ۱۷؛ تیط ۱: ۵؛ یع ۵: ۱۴؛ اع ۱۴: ۲۳، ۲۰: ۱۷) و « اسقف » (اع ۲۰: ۲۸؛ فی ۱: ۱؛ ۱- تیمو ۳: ۱-۷؛ تیط ۷: ۷) به معنای « ناظر » در کلیساهایی که در دنیای یونانی زبان تأسیس شدند. به نظر می رسد که این دو واژه در زمان اولیه ی کلیسا، مترادف بودند ولی خیلی زود کار و اختیارات اسقف از گروه « پیران » که همکاران وی می باشند مشخص و تفکیک گردید. چند سال بعد از درگذشت آخرین رسول، قدیس



ایگناسیوس اسقف انطاکیه، رسالت اسقف و کشیشان (پیران) را در بطن کلیسای محلی بر حسب تقسیم مسئولیت هایی که امروزه ما در کلیساهای قدیمی رسولی می شناسیم، در شرق و در غرب برای ما تشریح می کند.

در نتیجه، عیسا اقتدارهایی به رسولان داد، و چون کلیسا در طول زمان به آن احتیاج دارد، رسولان آنها را با دستگذاری به جانشینان خود منتقل ساختند. بنابراین، در کلیساهای قدیم، خواه در کلیسای کاتولیک، خواه در کلیسای ارتدوکس سلسله مراتب رسولی وجود دارد. و کلیساهای مهم تر مایلند که اگر امکان پذیر باشد اسامی اسقفان خود را بنویسند که نسبت آنها به رسولان باز می گردد.

ب - کلیسا قوم کاهنان

یادآوری می‌کنیم که در قوم خدا، همه ی تعمید یافتگان، کاهنان شرکت کننده در قربانی مقدس می‌باشند. همه از راه تعمید و تثبیت، روح القدس را یافته، با طرز زندگی خود به مسیح شهادت می‌دهند، و با به کار بردن عطایا و فیض هایی که از خدا برای بنیاد کلیسا دریافت نموده اند، خادمین هم وطنان خود می‌باشند. این همان کهنانت عمومی تعمید یافتگان است. علاوه بر این، در بطن این قوم و برای خدمت آن، خادمینی وجود دارند که به گونه ای خاص با دستگذاری رسولان یا جانشینان ایشان جهت خدمت مخصوصی تقدیس شده اند. شورای واتیکان دو توضیح می‌دهد که چرا این کهنانت با کهنانت ایمان داران تفاوت دارد: «با این که آنها نه تنها از نظر مراتب بلکه در ماهیت نیز با یک دیگر متفاوتند، اما کهنانت عمومی ایمان داران و هم چنین کهنانت خاص شبانان و خادمین، بی تردید با یک دیگر در ارتباط اند. زیرا هر یک از راهی مخصوص به خود، شراکتی در کهنانت یگانه ی مسیح دارند. کاهنی که در خدمت کلیساست، با نیروی مقدسی که به او عطا شده، قوم کاهن را شکل داده و بر آن رهبری مینماید. او در شخص مسیح، آیین قربانی مقدس را برپا کرده و آن را در نام همه ی قوم به خدا تقدیم میدارد. اما ایمان داران نیز به نوبه ی خود طبق سیرت کهنانت ملوکانه که مخصوص خود ایشان می‌باشد با او مشارکت می‌نمایند. آنها نیز با دریافت رازهای هفت گانه با نیایش و شکرگزاری با شهادت زندگی مقدس، و با انکار خویشتن و محبت فعال، طبق کهنانت مخصوص خود عمل می‌نمایند.»

ج - خادمین گوناگون

در عنوان این فصل در مشارکت دائم، اصطلاحاتی به کار بردیم که احتیاج به توضیح دارند. اسقفان کمال کهنانت شبانی را دریافت نموده اند تا نماینده ی مسیح، رئیس کلیسا باشد و در اسم او عمل کنند. دو مرتبت آخر، تنها شراکتی در آن یافته اند تا بتوانند وظایف خاص خودشان را در همکاری با اسقف انجام دهند.

به خاطر آوریم که فقط سه مرتبت کهنانتی وجود دارد. «شماش» که ما معمولاً می‌شناسیم جزو آنها نیستند، گرچه خدمت آنان طبق تعمیدشان برای جامعه کاملاً مفید است. علاوه بر این، دقت کنیم که حضرت پاپ یک مقام خاص دیگر نیست و توسط راز ویژه ای تقدیس نشده بلکه به عنوان اسقف، شهر رم عضو جماعت اسقفان است. اما اسقف رم، جانشین حضرت پطرس و پولس به عنوان پاپ، خدمت اتحاد و رهبری تمام کلیساهای کاتولیک برخوردار است.

۲- در آیین کلیسا، اسقف به عیسای مسیح وقف می شود و توسط روح القدس در خدمت کلیسای محلی مسئولیت به او واگذار می شود.

عادت داریم به اسقف خودمان با احترام و حرمت رفتار کنیم. قبلاً با بوسیدن دستش سلام می دهیم و او را به اسم عالی «پدر» می نامیم. دوست داریم وقتی به جایی می رود کسانی او را همراهی کنند. و اگر در زندگی خودمان دچار اشکالی شویم، تمایل داریم با او مشورت کرده و از او طلب راهنمایی کنیم. و مخصوصاً علاقه داریم در آیین مذهبی که او با کشیشان و شماسان خود اجرا می کند، شریک شویم.

جوان: درست می گویند. ولی این آداب و رسوم نزد نسل امروزی به فراموشی سپرده شده است، زیرا دیگر معنی ندارند و تا اندازه ای از پدرسالاری به جلو رفته ایم!

پیر: پس به نظرتان آیا باید این رفتار سرشار از احترام را از میان بریم یا معنی آن را که فراموش کرده ایم دوباره باز یابیم؟

حال، متن آیین کلیسایی که در آن شخص به مرتبت اسقفی تقدیس می شود بررسی کنیم و قسمت پر معنای آن را با دقت مطالعه کنیم تا حضور اسقف در میان کلیسای خود به عنوان راز حضور یکتا شبان بزرگ ما یعنی عیسای مسیح را درک کنیم. اگر امکان پذیر می بود می بایست فیلم تقدیس شدن اسقفمان را نگاه کنیم، زیرا آیین کلیسایی دیدنی می باشد که در آن شریک می شویم. ابتدا، این آیین را چه کسی اجرا می کند و با تعجب می بینیم که پاتریارک یا (نماینده ی او) و حداقل سه اسقف دیگر با ابهت، همراه با همه ی کشیشان و شماسان و همه ی ایمان داران ایستاده، در کلیسا وارد می شوند.

الف - سه اسقف از جمله يك پاتریارک برای تقدیس يك اسقف!

جوان: سه اسقف، آیا این زیاده روی نیست؟ علاوه بر این ما دیدیم که در کلیسا سه مرتبت در میان مسئولان وجود دارد: اسقف، کشیش و شماس. بنابراین، پاتریارک چه معنی دارد؟ علاوه بر این، آیا بالاتر از اسقف هم مرتبتی وجود دارد؟

پیر: خیر. پاتریارک و هم چنین پاپ رم هم اسقف می باشند. اما این اسقف مسئولیت خاصی جهت اتحاد اسقفان یک استان بزرگ، بنابراین مشارکت کلیساهای محلی که در آن وجود دارند عهده دار می باشد. البته این موضوع را بعداً عمیق تر بررسی خواهیم کرد.

جوان: اما شخصی که می تواند مسئولیت یک اسقف را به عهده گیرد، چگونه انتخاب می شود؟ آیا پاتریارک این محل او را منصوب می کند؟

پیر: اعمال رسولان را دوباره بخوان و ببین چگونه به جای یهودا کسی دیگر انتخاب شده است (اع: ۲۱-۲۶).



امروزه نیز به صورت مشابه، اولاً پاتریارک و شورای اسقفان خود در میان مسیحیان محل مربوطه، اشخاصی آگاه و کامل در ایمان را مشخص کرده، از ایشان سؤال می کند که برای این مأموریت چه کسی مناسب تر می باشد. بعد از این، پاتریارک، شورای خود را گرد می آورد تا با در نظر گرفتن این پیشنهادات، همه با هم، اسقف جدیدی را انتخاب کنند و در آخر در بعضی از کلیساهای خاورمیانه، در شروع تقدیس اسقف از جماعت ایمان داران سؤال مطرح می شود که آیا این شخص منتخب شده، سزاوار و لایق می باشد و همه جواب می دهند: «سزاوار است». اگر همگی متفق القول جواب دهند سزاوار نیست، همه چیز باید از نو آغاز گردد. البته این وضع استثنایی است. اما با این کوشش و تصمیمات هر چه باشند، در نیایش ما گفته شد که در واقع خود عیساست که این اسقف جدید را انتخاب می کند، همان طور که رسولان خود را انتخاب کرده است:

«به درگاه تو استغاثه می کنیم که این خادم برگزیده ی خود را، غریق رحمت بر حق خویش گردانی...»
 «باشد که روح القدس، بار دیگر نازل شود بر این خادم برگزیده تو، قرار گیرد...»
 «خداوندا، خدای پر عظمت، اکنون چهره ی خود را به این خادم منور گردان، در تقدیس خویش با تدهین روح القدس، وی را برگزین تا کمال کهانت را دارا باشد...»

جوان: چه نوع تعلیم خاصی، این اشخاص باید گذرانده تا بتوانند به این مقام انتخاب شوند؟
 پیر: خیر، اول موضوع درس خواندن و قبولی در امتحان نیست. یک تعمیم یافته معمولی می تواند بدون داشتن هیچ مقامی دکترای الاهیات داشته باشد، با علم به این که پطرس رسول، به احتمال قوی بی سواد بود!



البته شخص منتخب شده باید کتاب مقدس و سنت مقدس کلیسا را به خوبی بشناسد. اما ابتدا باید بیشتر مسیحی شده باشد و در راه مقدس مسیحی گام برداشته باشد که بتواند روح القدس را کاملاً بپذیرد. علاوه بر این، از دیدگاه انسانی باید شخص متعادل و تکامل یافته و دارای تعادل رأی و تصمیم باشد تا بتواند با دیگران همکاری کرده، کلیسای خود را اداره کند. البته در باره ی خودت زیاد نگران نباش زیرا هنوز جوانی و موقعیت خواهی داشت!
 البته موضوع این نیست که شخص بی گناه و کاملاً مسیحی انتخاب شود، بلکه بهترین در میان افرادی که موجود می باشند. علاوه بر این، در نیایش خیلی قدیم، اسقفان برای او این گونه دعا می کردند: «فیض خدایی که همیشه شفابخش بیماران است و به کسانی ارزانی می گردد که فاقد آن می باشد، نه این که فردی را به نام... برگزیده است. برای وی دعا کنیم تا فیض روح القدس او نازل گردد.»

جوان: انتخاب چنین شخصی به عهده ی چه کسانی می باشد؟

پیر: ابتدا از مسیحیان آگاه و باتجربه در کلیسای خاص، سؤال مطرح می شود که چه کسی میتواند چنین مسئولیتی را به عهده بگیرد، سپس همه ی اسقفان کلیسای محلی با پاتریارک خود گرد هم می آیند و نیایش و مشورت کرده، و شخصی را انتخاب می کنند که برای انجام این مسئولیت از همه سزاوارتر و بهتر باشد، و در نتیجه، نام آن شخص را پاتریارک اعلام می نماید.

جوان: تمام این فرآیندها به عادت های معمولی در مردم سالاری عصر معاصر شباهت دارد. یک گروه مسئول، اسامی کاندیدهایی که لایق نامزد شدن هستند را اعلام می کنند که مردم اشخاصی را در بین آنها انتخاب کنند.

پیر: توجه کنید کلیسا، مردم سالاری نمی باشد! مسیحیان، درباره ی اصول کلیسا، حق ندارند تصمیم گیری نمایند، چون کلیسا موسسه ی انسانی نیست بلکه راز است همان گونه که نوشته شده (ر.ک فصل پنجم).

اورشلیم نوین «از آسمان نزد خدا پایین می آید» (مکا ۲:۲). کلیسا راز است و تنها مسیح، رأس حقیقی آن می باشد، و ریاست کامل در دست اوست.

اگر اسقفان ریاست واقعی و مستقیم بر کلیسای خاص که به ایشان واگذار شده است، به عهده دارند به این خاطر است که «به جای مسیح عمل می کنند» همان طور که شورای واتیکان دو، آن را تأیید کرده. عیسا در درجه ی اول، اسقف جدید را انتخاب می کند، اما چگونه؟ او روح القدس را به کلیسای خود و مخصوصاً به اسقفان، تا بتوانند مأموریت خود را انجام دهند، منتقل ساخت، که باید با آن روح القدس همکاری کنیم.

بنابراین، اسقفان مسئول، همراه با کلیسای خود در نور روح القدس، تعمق کرده در میان مسیحیان شایسته، شخصی که مسیح انتخاب کرده را تشخیص می دهند. بنابراین، مردم سالاری نمی باشد و نه سلطنت خودکامه، زیرا هیچ مسئولی در کلیسا در انزوا و تنهایی نباید برای مسائل مهم تصمیم بگیرد. کلیسا مشارکت و راز بزرگ است، بدین معنی که چون پسر خدا انسان شد و خلقت را برکت داد، از راه خلقت، فیض خدا را به ما می دهد. و مانند رازهای هفت گانه که در آن چیزی دنیوی (آب و نان، شراب و روغن) استفاده می شود، کلیسا نیز که جنبه ی انسانی دارد، راز بزرگ و اولیه می باشد تا برکت خدای پدر به ما داده شود.

جوان: اما هنوز برایم توضیح ندادید که چرا باید چند اسقف دعا کنند تا شخص منتخب تقدیس شود، با علم به این که فقط یک کشیش کافی که در آیین سپاسگزاری، نان و شراب را تقدیس کند؟

پیر: انتخاب متیاس و آخر متن مربوطه را یادآوری کنیم «متیاس با یازده رسول محسوب شد» (اع ۱:۲۶) بنابراین، اسقف جدید، مسئولیت کلیسای خاصی را به عهده می گیرد و نیز در شورای

پاتریارک وارد شده، به نوبه ی خود مسئولیتی جهت ترویج مژده ی عیسا یک استان بزرگ و حتا تمام دنیا، به عنوان جانشین رسولان عهده دار می گردد.

بنابراین نشانه، همراه با پاتریارک چند اسقف برای شخصی که در شوای اسقفان وارد شده، به عنوان همه اسقفان شورا، او را می پذیرند و با هم در نیایش شریک می شوند و طبق نیایش کلیسا دعا میکنند: «ما با هم برای او به درگاه تو نیایش می کنیم. بلی با هم برای وی نیایش می کنیم: باشد که فیض روح القدس بر وی نازل گردد».

ب - نیایش قدیم، به ایمان مسیحیان شهادت می دهد:

قبل از این که متونی از آیین کلدانی را تعمق نماییم «متنی از سنت رسولان» بخوانیم که به احتمال قوی در حوزه ی پاتریارکی انطاکیه نوشته شده و پاتریارک های دیگر آن را پذیرفته اند و برای ما چگونگی ایمان و نیایش کلیسا در قرن سوم را نشان می دهد. درباره ی تقدیس اسقف نوین می خوانیم:

«خدا و پدر خداوند ما عیسا مسیح، پدر رحمت و خدای تسلی که در آسمان ها سکونت داری و بر آن کس که فروتن است می نگری و همه چیز را قبل از آن که به وقوع بپیوندد می دانی، تو که قواعد کلیسای خود را با سخن فیض آمیز خود بخشیدی، و از ازل نسل عادلان را مقرر داشتی، فرزندان ابراهیم را، تو که رؤسا و کاهنان را مقرر کرده و قربانگاه خود را خاموش باقی نهدادی، تو که از زمان پی افکنی جهان پسندیدی که توسط کسانی که تو برگزیده ای جلال یابی، اینک قدرتی را که از تو می آید، روح القدس والای خود را که به پسر محبوب خود عیسا مسیح داده ای و وی آن را به رسولان مقدس داده است تا کلیسای تو را به جای قربانگاه خود برای جلال و ستایش بی وقفه ات بنا کنند. به وی عطا کن، ای پدری که واقف قلب های، به خادم خود که به اسقفی برگزیده ای ببخشای تا رمه تو را بچرانند و عاری از عار و سرزنش، کهنات اعلای تو را با خدمت به تو روز و شب به انجام رسانند. باشد که چهره ی تو را موافق دارد و موهبت های کلیسای مقدس ات را به تو تقدیم نماید، تا قدرت آن یابد که گناهان را به نام روح القدس کهنات اعلای، آن را مطابق فرمان تو تقسیم می کند و هر بندی را به نام قدرتی که تو به رسولان داده ای بگشاید، با ملایمت و پاکی قلبش تو را خوشایند باشد و عطری دلاویز توسط نخست زاده ی خود عیسا مسیح خداوند ما که شکوه مندی، قدرت و جلال، پدر و پسر، با روح القدس (در کلیسای مقدس تو)، اکنون و تا ابدالابد شایسته تو است را تقدیم دارد.»

در این متن می بینیم که اسقف منتخب با پذیرفتن روح القدس، هم چون رسولان در عید پنجاهه، مأموریت ایشان را می پذیرد یعنی باید گله ای که به ایشان واگذار شده هم چون داود تقدیم نماید و هم چنین گناهان را ببخشاید و هدایا و قربانی های کلیسا را از طرف همه مسیحیان به پدر تقدیم می کند.

او میراث هارون و عیسا مسیح را می پذیرد و کاهن بزرگ قوم محسوب می گردد. اما به نظر می آید که قسمتی از مأموریتش در این متن جلوه گر نشده است، یعنی مأموریت اول اسقف در راه اعلام کردن مژده، طبق فرمان مسیح به رسولان» (مت ۲۸: ۱۹).

اما در آیین کلیسای شرق خواهیم دید که این نکته از مأموریت اسقفان نه تنها فراموش نشده بلکه به آن اهمیت خاصی داده شده است و این بر حق است چون عیسای مسیح در خود سه مأموریتی که در عهد قدیم شرح داده شده به عهده می گیرد، یعنی پادشاه، کاهن و پیامبر و در این نیایش خواهیم دید که مثل رسولان، اسقفان این سه خدمت به عهده آنان واگذار شده است.



مینیاتور بالا در سال ۱۲۳۸ در کلیسای انطاکیه، در یک کتاب انجیل به تصویر کشیده شده، که در آن پاتریارک را می بینیم که بر اسقف جدید دستگذاری می کند و سه اسقف دیگر، کتاب انجیل را بر شانه های او می گذارند و در عقب، کشیشان به آن نگرسته و نیایش می کنند.

ج - نیایش کلیسای شرق:**۱ - اسقف، جانشین رسولان باید مژده را اعلام کند:**

اسقف، در قوم پیامبران، اولین پیامبر است. این آیین ما با مزبور ۱۳۲ افتتاح می شود که داود را بعنوان خادم خیمه عهد و قوم خدا یادآوری می کند. اما بند برگردان این مزبور نکته مهم دیگری را برجسته مینماید:

رسولان و برگزیدگان

از این سخن دل قوی داشتند:

«اینک من هر دوره تا انقضای عالم همراه شما می باشم»

این بند برگردان به یک اتفاق اشاره می کند که در انجیل روایت نشده بلکه در انجیل جعلی توما (۱:۱) که به احتمال قوی در شهر ادسا در شروع قرن سوم اشاره می کند. طبق آن می بینیم که رسولان دغدغه خاطر جهت اعلام کردن مژده در تمام خلقت دارند. ولی خواسته اند مناطق مختلف را در میان خود تقسیم کنند تا به یک دیگر رقابت نکنند. (البته قبلاً پولس بر انجام چنین رفتاری تأکید می ورزید: به هر شخص کار خود «غلا: ۹:۲۶» بدون این که به یک دیگر تخطی ورزند «۱ قرن: ۱۲-۱۳: ۲ قرن: ۱۰: ۱۵-۱۶»). بنا بر این به هر مسئول، یک منطقه واگذار گردیده است. علاوه بر این، وقتی که عیسا به رسولان، بنا بر این به جانشینان، این وظیفه جهت رساندن مژده را داد، وعده داد: «اینک تا واپسین روز با شما هستم» (مت ۲۸: ۲۰) همان طور که بند برگردان ما آن را یادآوری می کند.

مأموریت اسقف درباره ی اعلام مژده مسیح در متن آیین ما چند بار تکرار شده است:

«عیسا رسالت خویش را به شمعون پطرس و یارانش سپرد.

تمامی زمین را طبق اراده ی خویش خواست که

در توری مستحکم، به دست این ماهیگیران، متحد نماید،

می خواهد از طریق این ماهیگیران

تمامی جهان را در اتحادی از دست رفته

از هم اینک سراسر جهان ستایش وی را می سراید

و در غنای سه گانه ی اقدس جاودان

پدر و پسر و روح القدس تعمید می یابد...»

(ر. ک مت ۱۶: ۱۷، ۱۷: ۱۷؛ یو ۲۰: ۲۱-۲۳، ۲۱: ۱۱-۱۶؛ لو ۲۲: ۳۱-۳۲).

«روح القدس به شکل زبانه های آتش بر رسولان نازل شد،

و ایشان را برای رساندن نام مقدس تو

به تمام ملت ها آماده گردانید

باشد که روح القدس بار دیگر نازل شود

و بر این خادم برگزیده ات قرار گیرد...»

البته این وظیفه ی اسقف به صورت بسیار روشن بیان شده است، در شروع نیایش خاص تقدیس، وقتی اسقفان کتاب انجیل گشوده شد بر شانه های اسقف منتخب می گذارند و دست گذاری کرده روح القدس را می طلبند.

بنابراین، اولین مأموریت اسقف به عنوان جانشین رسولان اعلام مژده می باشد با اقتداری که عیسا به ایشان داده است.

۲- اسقف بر آیین کلیسا ریاست می کند:

در میان قوم کاهنان او کاهن بزرگ می باشد. روح القدس به او کمال کهانت را منتقل می سازد، همین طور که مکرراً از خدا طلبیده شده است. بعد از نمادهای عهد قدیم و کهانت هارون که در آیین یادآوری شده اند، کهانت واقعی توسط عیسا مسیح تنها کاهن بزرگ در یکتا قربانی خود افتتاح شده است. فیض کهانت مسیح که به اسقف جدید داده می شود.

«اکنون چهره ی خود را بر این خادم درخشان نما،
در تقدیس خویش با تدهین روح القدس وی را برگزین تا کمال کهانت را دارا باشد،
کاهنی پیر و یگانه کاهن اعظم
که خود را برای ما تسلیم کرد.
او را به قوت روح القدس برای انجام این رسالت
که به وی سپرده شده است تقویت فرما...»

او واسطه و مقسم رازهای هفت گانه کلیسا می باشد و توسط آن فیض مسیح را به قوم منتقل میسازد:

«باشد که از قدرت تا قدرت، از جلال تا جلال،
به سوی غنای کهانت کلیسا
که سرشار از راز و بخشنده عطایاست پیش رود»
...
«خداوند،
وی را به قدرت های اعلا تقویت فرما،
که بتواند درب های آسمان و زمین بندد و بگشاید،
و برای جلال الوهیت پر جلال تو
به نام قدوس تو نشان ها بنماید،
با قدرتی که تو به وی می بخشی
برای کلیسا ی مقدست، خادمان:
اسقفان، کشیشان، شماسان
دستیاران شماسان، سخن گویان و شماسه ها تقدیس نماید.»

در پایان نماز، پاتریارک ردای پر جلال به اسقف جدید می پوشاند، به نشانه ی محبتی که باید گرداگرد اسقف جدید را ببوشاند و بر سرش دستار مخصوص می گذارد با یادآوری از دستار کاهن بزرگ یهودی، همراه با یک گل زرین، طبق لاویان به عنوان نشانه ای از تقدیس شدن است:
«طبق فرمان خداوند، دستار را به سر هارون بست و بر جلوی دستار، گلی زرین به عنوان نشانه ای از تقدیس شدنش قرار داد» (لاویان ۸: ۹)، البته در این جا یادآوری بود از مسح کردن سر کاهن بزرگ



با روغن مقدس که حال مسح کردن سر اسقف با خود روح القدس می باشد. اسقف، شبانی که قوم خود را رهبری می کند و اتحاد آن را خدمت می کند:
در میان قوم پادشاهی او نخستین رهبر است.

در متن ما، اسقفان چنین نیایش می کنند:
«خداوندا، این خادم را برگزین
تا کلیسای برحق تو را در تهران با امانت و راستی اداره کند،
و همه شاگردان تو را در تمام طول عمرش
با دلسوزی مراقبت نماید.
ای بخشنده عطایای جاودانی
ای سرور هستی تا ابدالآباد.» آمین.
عصای شبانی، نشانگر این رهبری بر کلیسای محلی می باشد:
«خداوندا، عصای شبانی را در دست وی بگذار
وی را چون مباشری خردمند گردان
که روزی مردمان را به موقع تقدیم می نماید» (ر.ک لو ۱۲: ۴۲).

و در پایان نیایش، این عصای شبانی را به دست او می سپارند با یادآوری از این که این اقتدار را به جای مسیح و به مانند رفتار او عمل کند:

«عصای قدرت که خداوند از اورشلیم فرستاده، عیسای مسیح است.
باشد که ترا محافظت کند و کسانی را که به شبانی آنها گمارده شده ای، توسط تو راهنمایی نماید.»

و در پایان، اسقف جدید بر کرسی پر عظمت که جایگاه خود مسیح است او را
میشانند، در انتظار آمدن پر جلال نجات دهنده ی ما.
علاوه بر این، توجه کنیم که این اسقف منتخب در خدمت یک کلیسای محلی
معین، تقدیس شده است و این موضوع در نیایش ما پنج بار تکرار شده است، زیرا هیچ
وقت تقدیس اسقف بدون دلیل جهت خدمت به یک قوم معینی وجود ندارد.



د - اسقف، داماد و پدر کلیسای خود می باشد:

جوان: با این تفاسیر، بهتر درک می کنم که مأموریت اسقف چیست و چرا مسیحیان با احترام تمام با او رفتار می کنند. اما دو سؤال برایم بی جواب مانده: اولاً چرا اسقف انگشتی بسیار زیبا در دست دارد؟



پیر: من هم متقابلاً از شما می پرسم چرا می گویی زیبا؟ در واقع، در قدیم، اسقفان انگشت طلائی داشتند، اما بعد از شورای اسقفان واتیکان دو، در کلیسای ما بسیاری از چیزها خیلی ساده شده و کم کم کوشش می کنیم به فقر و فروتنی مسیح نزدیک تر شویم - آیا انگشت اسقف خودت را دیده ای که چقدر ساده و معمولی می باشد؟



جوان: هر چه باشد او انگشتی بدست دارد، اما معنی آن چیست؟



پیر: در زمان قدیم و حتا گاهی اوقات امروز، افراد معمولی انگشت همراه با مهر در دست دارند که از آن برای امضاء و مهر اسناد رسمی استفاده می کردند. اما این عادت مربوط به همه ی اسقفان نبود. از لحاظ تاریخی از قرن هشتم به بعد اسنادی داریم که نشان می دهد در زمان تقدیس شدن اسقف نوین، چنین انگشتی را بردستش می کردند، اما این انگشت از آهن می بود نه از طلا! و این مراسم به این معنی بود که اسقف اعلام کرد از مسیح که به عنوان داماد با عرووش یعنی کلیسا می ماند. و به خاطر این ازدواج یا ارتباط مستحکم، اسقف نمی تواند کلیسای خود را ترک کرده کلیسای دیگری را به عهده گیرد.



علاوه بر این، در سال ۱۱۰۰ میلادی، اسنادی وجود دارد که اشاره می کند این انگشتی اعلام گر عفت و پاکدامنی اسقفی که با کلیسای خود عهد بسته است.

جوان: باز سؤال دیگری دارم. به چه دلیل اسقف های ما را «پدر» می نامند با علم به این که عیسی مسیح فرمان داد که: «بر روی زمین هیچ کس را پدر ننماید، زیرا تنها یک پدر داریم که در آسمان است» (مت ۳: ۹).



پیر: مواظب باشید که این جمله ی مسیح را از محتوا و متن خود جدا نسازید که بدجور آن را تفسیر کنید که خطاب به بعضی از فریسیان متکبر است (مت ۲۳: ۶-۷). عیسا هشدار داد که شخص مسئول نباید غرور داشته باشد و افراد زیردست خود را تحقیر کند. و این موضوع را این گونه به اتمام رساند: «باشد که در میان شما شخص بزرگ تر خادم شما شود» (مت ۲۳: ۱۱). البته این موضوع بسیار اهمیت دارد و عیسا در هنگام شام آخر، عمیق تر نشانه فروتنی را آشکار ساخته و آخرین جایگاه را گرفته و پای های رسولان خود را شست و گفت: «شما مرا استاد و آقا می خوانید، و خوب می گوید زیرا که چنین هستیم. پس اگر من که آقا و معلم هستم پای های شما را شستم بر شما واجب است که پاهای دیگران را بشوید.» (یو ۱۳: ۱۳-۱۵).



اسقف به اتحاد کلیسای خود خدمت می کند به اندازه ی آن فروتنی و مهربانی که نشان می دهد، درست برعکس غرور و قدرت طلبی که باعث رقابت و تفکیک قوم می شود (ر. ک ۱ پاد ۲۱: ۱-۱۹). بنابراین باید عنوان پدر را محو کنید اگر نشانگر اقتدار مطلق، انسان خود رأی و متکبر باشد. اما توجه کنیم که خود عیسا مکرراً این کلمه را استفاده می کند و فرمان داد که همه به پدر و مادر احترام بگذارند (مت ۴: ۱۵، ۱۹: ۱۹) و هیچ نخواست، پدری، خواه انسانی، خواه روحانی مانند ابراهیم (لو ۱۳: ۱۶، ۱۹: ۹) را انکار کند.

پولس رسول نیز تأکید می کند که او خادم مسیحیان اهل قرن تنس می باشد (۱ قرن ۴: ۱). ولی به ایشان یادآوری می کند «هر چند هزاران استاد در مسیح داشته باشید لیکن پدران بسیار ندارید، زیرا که من شما را در مسیح تولید نمودم» (۱ قرن ۴: ۱۵).

وانگهی ما نیز از راه ایمان و تعمید، تولدی نوین یافته ایم.، می دانیم که به اسقف اعلام مژده و تقسیم رازهای هفت گانه به او واگذار شده است. بنابراین، طبق انجیل، هر چه اسقف با فروتنی رفتار کند، بهتر خود را پدر ما در ایمان نشان می دهد. و این موضوع بسیار طبیعی است زیرا، بدون پدر، فرزند وجود ندارد و زندگی از میان می رود، به مانند زندگی انسانی، زندگی نوین عیسا مسیح رستاخیز شده را باید منتقل ساخت. وجود اسقف ما که ایمان کلیسای محلی را استوار می سازد از راه دستگذاری، پیوسته شجره نامه ی آنان بوجود رسولان بر می گردد. بنابراین، این پدر فرزند روحانی در طول زمان جا می گیرد و ایمان و زندگی نوین ما را به خود عیسا مسیح بر می گرداند.

این معنی سنت مقدس کلیساست که منتقل ساختن بی وقفه اقتدار رسولان مسیح تا اسقف ما، امروز واقعاً کلیسای ما رسولی است و آیین کلیسای باید صورت روشن این موضوع را اعلام می کند. به همان دلیل پاتریارک در این مراسم، دو متن انجیل را اعلام می کند در ارتباط با اقتداری که خداوند به پطرس رسول داد «کلیدهای ملکوت آسمان را به شما خواهم داد»... «بره های مرا خوراک» (مت ۱۶: ۱۳-۱۹؛ یو ۲۱: ۱۵-۱۷).

علاوه بر این در این نماز یکی از اسقفان اعلام میکند که پاتریارک، مأموریت خود را به جای مسیح اجرا میکند به مانند پطرس که عیسا او را انتخاب کرد، از عیسا می طلبد که خود این اسقف جدید را انتخاب کند:

«توسط پطرس، متیاس را چون جانشین یهودا برگزیدی، توسط پدر همگان، پاتریارک ما، رسالتی که وی را بدان برگزیدی، به جانشینی تو انجام دهد، خداوند این خادم را برگزین».



بنابراین، کلیساهای اولیه دوست داشتند که شجره نامه اسقفان را یادآوری می کردند که توسط آن اسقف فعلی با رسولان مرتبط است. و هم چنین اسامی پاتریارک و اسقفان همسایه را در نمازنامه یادآوری می کردند.

جوان: در نتیجه آیا اسقف یا «کشیش»، فقط خادمین تعمید یافتگان می باشند؟

پیر: از خادمین قوم خدا صحبت نمودیم، این بدان معنا نیست که خادمین نباید به کسانی که هنوز توسط تعمید عضو کلیسا نشده اند خدمت نمایند. بلکه برعکس، در حالی که مسئولیت جمع آوری قوم مقدس را دارند همانند رسولان در مرحله ی اول، مسئولیت اعلام کلام خداوند و تربیت گروندگان جدید بر دوششان می باشد تا آنها را آماده تعمیدی نمایند که خود خادمین مسئولیت اجرای آن را به نام خداوند به عهده دارند (ر.ک مت ۲۸:۲۸-۲۰).

«تمام قدرت بر زمین و در آسمان به خداوند داده شد. اسقفان به عنوان جانشینان رسولان، رسالت تعلیم تمام ملل و موعظه ی انجیل به هر آفریننده ای را از وی دریافت می دارند، تا آن که همه ی انسان ها به وسیله ی ایمان، تعمید و انجام فرامین، به نجات نائل آیند (ر.ک مت ۲۸:۱۸؛ مر ۱۶:۱۵-۱۶؛ اع ۱۷:۲۶-۱۸)». در میان وظایف اساسی اسقفان، موعظه ی انجیل از اهمیت بارزی برخوردار است، زیرا اسقفان منادی کنندگان ایمانند که شاگردان جدیدی را به سوی مسیح رهنمون می شوند...» (مجمع واتیکان دو، کلیسا، شماره های ۲۴ و ۲۵).

«در میان وظایف اسقفان، بشارت انجیل مقام اول را دارد. اسقفان در واقع منادیان ایمان می باشند که شاگردان جدید را به سوی مسیح می آورند» (مجمع اسقفان واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۲۰).

«علاوه بر این، اسقف باید مراقب باشد که کار رسالتی فقط به کسانی که مسیحی شده اند، محدود نشود، بلکه سهم مساوی عاملان و امکانات دنیوی را برای بشارت انجیل به غیرمسیحیان اختصاص یابد» (به سوی ملل شماره ی ۳۰).

در نتیجه ی این آیین، مأموریت اسقف جدید در و همراه قوم خویش، به مانند مسیح کاهن اعظم، پادشاه و پیامبر می باشد.

ه - وظیفه ی اسقف نسبت به کلیسای خویش و نسبت به همه ی کلیساهای محلی چیست؟

بنابراین، تعمید یافتگان، با فروتنی باید تحت رهبری اسقف خود به دنبال مسیح رفته و شهادت دهند، با دقت اقتدار تعلیم دادن، بر پا کردن آیین کلیسا، مخصوصاً تقدیس نان و شراب و هم چنین از رهبری دیگران اجتناب ورزند، با علم به این که فروتنی شرط اتحاد کلیسا هست و در اطاعت از مسیح ک به رسولان گفته بود:

«هر که شما را بشنود، مرا شنیده، و کسی که شما را حقیر شمارد، مرا حقیر شمرده، و هر که مرا حقیر شمارد، فرستنده ی مرا حقیر شمرده باشد» (لو ۱۰:۱۶).

خلاصه تعليمات رسمي

۱۲- اين سنت رسولي چه چيزهائي دارد؟

سنت رسولي، انتقال مژده مسيح مي باشد که از آغاز مسيحيت توسط موعظه، شهادت، نهادها، آئين مذهبي و نوشته هاي عهدجديد انجام مي شود. رسولان آن چيزي را که از مسيح دريافتند و از روح القدس ياد گرفتند، را به جانشينان خود يعني اسقفان و از راه ايشان به همه ي نسل ها تا انتهاي زمان منتقل ساختند.

۱۶- مسئوليت تفسير صحيح امانت ايمان به عهده ي چه کسي مي باشد؟

تفسير صحيح امانت ايمان، تنها به مقام تعليمي رسمي کليسا يعني اسقف رم به عنوان جانشين پطرس و اسقفان ديگر که با او مشارکت دارند، مرتبط است. به اين مقام تعليمي که موهبت تشخيص صحيح حقيقت در خدمت کلام خدا دارا مي باشد، تعيين کردن آموزه هائي که بيانگر حقايق موجود که در الهام خدا وجود دارند نيز تعلق دارد. اين اقتدار در مورد حقايقی که با مکاشفه ارتباط الزامي دارند نيز در بر دارد.

۱۶۷- در چه شرايطي يك کليساي خاص، کاتوليك مي باشد؟

هر کليساي خاص (به معني حوزه ي اسقفی) متشکل از گروهی از مسيحيان که در ايمان و در رازهاي هفت گانه، با اسقف خود که در سلسله مراتب رسولي دستگذاري شده و با کليساي رم (که بر محبت سرپرستي مي کند) کاتوليك مي باشد.

۱۷۴- به چه دليل کليسا رسولي مي باشد؟

کليسا به دليل زير رسولي است:

- از راه مبدأ آن، زيرا «بنیاد آن رسولان مي باشند» (افس ۲: ۲۰):

- از راه تعليماتش که همان تعاليم رسولان مي باشد؛

- از راه ساختارش، زيرا توسط رسولان با همکاري جانشين آنان يعني اسقفان در مشارکت با جانشين پطرس، تا آمدن پرجلال مسيح، بنا، تقدیس و اداره مي شود.

۱۷۶- سلسله مراتب رسولي چيست؟

سلسله مراتب رسولي از راه راز تقدیس خادمين، انتقال مأموريت و اقتدار رسولان به جانشينان ايشان يعني اسقفان مي باشد. کليسا از راه اين انتقال در مشارکت ايمان و زندگي با آغاز و منشأ خود مي ماند، زماني که در طول قرون رسالت خود را با گسترش دادن ملکوت مسيح بر زمين انجام مي دهد.

۱۷۹- به چه دليل مسيح مرتبت کليسائي را تأسيس کرد؟

مسيح مرتبت کليسائي را جهت مأموريت چريدن قوم خدا در اسم او تأسيس کرد و به همان دليل به آن اقدار لازم را دارد. اين مرتبت با خادمين دستگذاري شده تشکيل شده: اسقفان، کشيشان، شماسان. از راه راز تقدیس خادمين، اسقفان و کشيشان در فعاليت خدمت خود به نام عيسا رأس کليسا و در شخص او عمل مي کنند. شماسان (به زبان يوناني، خادمين) اعلام کلام و کمک به آئين مذهبي و اجرائي محبت همگاني، به قوم خدا خدمت مي کنند.

۱۸۰- چگونه خدمت کليسائي به صورت همکاري گروهی انجام مي شود؟

به مانند دوازده رسول که مسيح آنان را با هم انتخاب کرده و فرستاده است، اتحاد اعضاي مرتبت کليسائي در خدمت مشارکت همه ي ايمان داران اجرا مي شود. هر اسقف خدمت خود را اجرا مي کند به عنوان عضو گروه اسقفان و در مشارکت با حضرت پاپ، چون او بايد در مراقبت و دل سوزي کليساي جهاني با پاپ همکاري کند. کشيشان نيز خدمت خود را انجام مي دهند با همکاري در گروه کشيشان کليساي خاص و در مشارکت با اسقف و زير اقتدار او.

۱۸۳- مأموریت گروه اسقفان چیست؟

گروه اسقفان در مشارکت با حضرت پاپ، اما هیچ وقت بدون او بر کلیسا اقتدار اعلا و کامل دارا می باشد.

۱۸۴- چگونه اسقفان مأموریتشان را جهت تعلیم دادن اجرا می کنند؟

اسقفان در مشارکت با پاپ رم وظیفه دارند مژده ی مسیح را با وفاداری و اقتدار به همه اعلام کنند. ایشان ملبس به اقتدار مسیح، شاهدان راستین ایمان رسولی می باشند و قوم خدا از راه حس برتر طبیعی ایمان و رهبری شده توسط مقام تعلیم رسمی کلیسا با وفاداری تام به ایمان ملحق می شوند.

۱۸۵- خطاناپذیری مقام تعلیم رسمی کلیسا در چه مواقعی تحقق می یابد؟

خطاناپذیری در سه موقع تحقق می یابد:

- وقتی پاپ اعظم به خاطر اقتدار خود به عنوان شبان اعلا ی کلیسا آموزه ای در ارتباط با ایمان یا اخلاق با یک تصمیم قطعی اعلام می کند؛
- وقتی که گروه رسمی اسقفان در مشارکت با حضور پاپ، مخصوصاً زمانی به صورت شورای جهانی اسقفان جمع شده اند، این گونه چنین تصمیمی بگیرند؛
- وقتی به صورت تعلیم معمولی خود این تعلیم پاپ و اسقفان همگان اعلام می کنند یک آموزه قطعی می باشد.
- در نتیجه هر ایمان دار با اطاعت از ایمان، از تعلیم باید به این تعلیم ملحق شود.

۱۸۶- چگونه اسقفان خدمت تقدیس کردن را انجام می دهند؟

اسقفان با توزیع فیض مسیح، توسط خدمت، اعلام کلام و دادن رازهای هفت گانه، مخصوصاً نان مقدس و نیز از راه نیایش و هم چنین با سرمشق زندگی خود و اعمالشان، کلیسا را تقدیس می کنند.

۱۸۷- چگونه اسقفان مأموریت، رهبری را انجام می دهند؟

هر اسقف به عنوان عضو گروه رسمی اسقفان همراه با اسقفان دیگر در اتحاد با پاپ به صورت گروهی، مراقبت همه ی کلیساهای خاص و کلیسای همگانی را می کند. هر اسقف که به او کلیسای خاص واگذار شده است آن را با نفوذ اقتدار مقدس رهبری می کند. البته این اقتدار، خاص او، معمولی و مستقیم می باشد که به نام عیسا آن شبان نیکو در مشارکت با کلیسای همگانی و هدایت جانشین پطرس رسول انجام می دهد.

۳۲۶- تقدیس اسقفان، به شخص کمال این راز اعطا می کند و توسط آن، اسقف نوین، جانشین برحق رسولان می گردد و در هیأت اسقفان او را وارد می کند. و همراه با پاپ و اسقفان دیگر، مأموریت مراقبت از تمام کلیساهای تقسیم می کند، و به او مأموریت تعلیم دادن، تقدیس کردن و رهبری نمودن را واگذار می کند.

۳۲۷- در کلیسای خاص که به او واگذار شده است، مأموریت اسقف چیست؟

اسقف در کلیسای خاص که به او واگذار شده، منشأ دیدنی و اساس اتحاد این کلیسا می باشد که در آن به عنوان جانشین مسیح با همکاری کشیشان و شماسان خود، مأموریت شبانی را انجام می دهد. بنابراین تعمیر خواستگان با فروتنی باید تحت رهبری اسقف خود، به دنبال مسیح رفته و شهادت دهند و با دقت قدرت های تعلیم دادن، برپا کردن آئین کلیسا، مخصوصاً تقدیس نان و شراب و هم چنین از رهبری دیگران اجتناب ورزند، با علیم به این که فروتنی، شرط اتحاد کلیسا هست و در اطاعت به مسیح که به رسولمان گفته بود: «هر که شما را گوش دهد، به من گوش داده و هر که شما را رد کند، مرا رد کرده است» (لوقا ۱۰:۱۶)

۳. مسئولان کلیسا، امروز اسقفان در کلیسای ما

الف - يك اسقف برای يك کلیسای خاص:

جوان: این آیین تقدیس اسقف جدید بسیار زیبا به نظر می آید، دوست داشتم که در آن شرکت جویم، اما توضیحات شما به آن چیزی که در ایران می بینیم، ظاهراً همیشه تطابق ندارد! با این آیین تأکید نمودید که طبق این آیین فقط یک اسقف در خدمت کلیسای مشخص تقدیس شده و مسئولیت استوار نمودن ایمان و اتحاد این کلیسا و رهبری کردن آن را به عهده دارد. او نماینده ی مسیح شده است که رأس آن تن که کلیسا می باشد. تنی بدون رأس، یا کلیسایی بدون اسقف وجود ندارد، و رأسی بدون تن یعنی اسقف بدون کلیسا وجود ندارد. بنابراین همین جا هم چون شهرهای متعددی در خاورمیانه، چرا در یک شهر اسقفان متعددی می بینیم؟ مگر تن مسیح می تواند چند سر داشته باشد؟



پیر: سؤال شما واقعاً به جا نظر می رسد و اگر با جدیت می خواهیم به آن جواب دهیم باید به تاریخ طولانی کلیسا اشاره کنیم. در قرون اولیه، یک اسقف، هر کلیسای خاص را ریاست می کرد، همان طور که متون مختلف حضرت ایگناسیوس، اسقف انطاکیه که در شهر رم در سال ۱۱۷ میلادی شهید شد، نشان می دهد.

«از شما درخواست دارم که تلاش نمایید هر کاری را در هم آهنگی مقدس و الهی و تحت ریاست اسقف که نایب خداست، انجام دهید» (نامه به اهالی مکنسیا: ۶: ۱).

«پس توجه کنید و فقط در یک آیین شکرگزاری شرکت نمایید. چون تنها یک تن خداوند عیسی مسیح وجود دارد و فقط یک جام هست که ما را در خون او متحد می سازد و نیز تنها یک قربانگاه موجود است، همان طور که اسقف در میان جماعت کشیشان و شماسانی که شریک خدمت وی هستند، یگانه می باشد. بدین ترتیب شما در همه کارها اراده خدا را به جا خواهید آورد» (نامه به اهالی شهر فیلاذلیه ۴، ر. ک نامه به افسسیان ۳: ۱، نامه به اهالی شهر از میر: ۸: ۱-۲).

در ارتباط با این قانون، تایخچه ی قدیم کلیسای پارس، بصورت تعجب آوری قابل توجه می باشد. جنگ های مابین امپراتوری های بیزانس و پارس، متعدد بودند و باعث جابجایی مهم مردمان می گردید، حتا گاهی اوقات کلاً یک شهر همراه با جماعت ایمان داران و اسقف خویش به شهرهای دیگر می رفتند و در نتیجه دو اسقف در یک محل ریاست می کردند. اما زمانی که اسقف جابجا شده فوت می نمود، جماعتش در اتحاد با کلیسای محلی وارد شده و از اسقف آن اطاعت می نمودند.

اما همان طور که خودت زیبا بیان نمودی، اسقف مسئولیت نگرهبانی از ایمان کلیسای خود را، عهده دار می باشد. بنابراین، چون بعضی جماعت مسیحیان ابراز ایمان طبق تصمیماتی که در شورای افسس (سال ۴۳۱) و کالسدون (سال ۴۵۱) را نپذیرفتند، در آن صورت چه شده است؟

اتحاد کلیساهای محلی، پاره شده و برای هر شهر تعداد اسقفان ازدیاد می یابد، یعنی یک اسقف برای جماعتی که تصمیم شورای اسقفان را پذیرفتند و یک اسقف برای آنانی که با نسطوریوس، ابراز ایمان شورای افسس را رد می نمایند (مثل کلیسای شرق آشور در کشور ما) و یک اسقف دیگر برای آنانی که ابراز ایمان شورای کالسدون را نپذیرفته اند (مثل کلیسای ارمنی رسولی در کشور ما) اینک در قرن پنجم در بعضی از شهرهای خاورمیانه پنج اسقف می بینیم!

علاوه بر این، در قرن دهم و یازدهم مسائل دینی و سیاسی و اشکالات مابین اشخاص مسئول، کلیسای بیزانس و رم از یک دیگر جدا شدند، که این موضوع را بعداً مفصلاً بررسی خواهیم نمود.

و بالاخره از زمان جنگ های صلیبی در قرن پانزدهم، کلیسای رم حوزه اسقفی در هر شهر خاورمیانه برپا کرده و اسقفان غربی را مستقر ساختند. علاوه بر این، کشیشان این کلیسای لاتین، بعضی از مسیحیان کلیساهای شرق را جمع کردند و کلیساهای شرق کاتولیک یعنی در اتحاد با پاپ رم همراه با اسقفان خود برپا کردند، اما جدا از کلیساهای اصیل خودشان.

بنابراین در کشور ما پنج کلیسای محلی قدیم مستقل همراه با اسقف خویش وجود دارند:

- ۱- کلیسای شرق آشور
- ۲- خواهرش کلیسای آشوری کلدانی کاتولیک.
- ۳- کلیسای ارمنی رسولی
- ۴- خواهرش کلیسای ارمنی کاتولیک
- ۵- کلیسای لاتین کاتولیک که مسیحیان خارجی را جمع آوری می کند و باید به کلیسای شرق کاتولیک کمک کند (واتیکان دو، کلیساهای شرق کاتولیک، شماره ۶).

البته، همراه با این کلیساهای غربی دیگر آمدند، یعنی جماعت های مختلف پروتستان که اسقف ندارند، و هم چنین کلیسای انگلیکن که اسقف دارد اما سلسله مراتب رسولی آن زیر سؤال است. در نتیجه می بینیم که حالت کلیسای ما و تعداد اسقف های آن، در واقع به تازگی در ایران و هم چنین در کشورهای دیگر خاورمیانه، طبق قانون قدیم شوراهای اسقفان نمی باشند.

درباره ی آیین مقدس، شورای اسقفان واتیکان دو، به اهمیت یک اسقف یعنی یک کاهن بزرگ جهت یک قربانی مقدس بر روی یک مذبح اعلام کرد: «اسقف را باید به عنوان کاهن اعظم گله ی خود در نظر گرفت که حیات ایمان داران در مسیح به طریقی از او ناشی می گردد و به او بستگی پیدا می کند. بنابراین، همه باید احترام بسیاری برای حیات نیایشی حوزه ی کلیسایی متمرکز بر اسقف قائل باشند، بویژه در کلیسای اسقف نشین خود او، آنان باید متقاعد گردند که تجلی عمده کلیسا مستلزم شرکت کامل و فعال قوم مقدس خدا در آیین نیایش است، مخصوصاً در راز نان و جام مقدس، در یک نیایش، گرداگرد یک قربانگاه که در آن اسقف به همراه گروه کشیشان و خادمین خود، سرپرستی می نماید.» (شورای واتیکان دو، آیین مقدس شماره ۴۱).

جوان : پس اگر علی رغم یادآوری این شورای آخر، هیچ نکته ای در این بابت پیش نرفته، چگونه امید می توانیم داشته باشیم؟



پیر: اول چون این مساله ارتباط دارد با اتحاد کلیساها و شهادت آنها باید دعا کنیم که خداوند این وحدت کلیسای محلی در گرد یک اسقف به ما دهد و هم چنین نور به ما بخشد تا بتوانیم در این جهت همکاری کنیم. در بحث فصول قبل، به این نکته اشاره کردیم که در شرق مجامع ملیت گرایی که بعضی از مسیحیان را جمع آوری می نماید اصلاً نمی توانند ادعا کنند که راز کلیسای محلی و مأموریت آن را به عهده گرفته بیان کنند. در این جا فقط اشاره کنیم که این حالت باعث تکثیر اسقفان مستقل می گردد و پاتریارک های کاتولیک ما از این بی نظمی به خوبی آگاهند و در نامه ی عنود به عنوان «راز کلیسا» کوشش کردند، این حالت را بهبود بخشند، بدون این که بتوانند راه حل واقعی را پیدا کنند»:

«بدون تشکیل شورای اسقفان، میان کلیساهای منطقه و علی رغم وسعت آن منطقه، مشارکت مؤثری وجود نخواهد داشت. تاریخ کلیسای ما در مشرق زمین به ما یاد می دهد که عدم وجود شورای اسقفان، باعث به وجود آمدن اکثر تفرقه ها یا در هر صورت، مانع بهبود آنها شده است. بنابراین، ضرورت دارد که جانی دوباره به شورای اسقفان کلیساهایی که دارای پاتریارک هستند و نیز به مجمع پاتریارک ها و اسقفان داد... به همین سبب، پس از شورای واتیکان دوم، اسقفان کاتولیک هر کشوری در شورای سلسله مراتب کاتولیکی گرد هم می آیند. این ساختار جدید، نه جانشین شورای مقدس (برای کلیسای کاتولیکی) و نه جانشین کنفرانس اسقفان (برای کلیساهایی که دارای سنت لاتین هستند)، می شود، بلکه راه حل عملی و قابل قبول برای پاسخ گویی به مسائل در سطح ملی برای کلیساست. امیدواریم بتوانیم این شوراها را در آینده به نحوی توسعه دهیم که در تصمیم گیری ها و در تعیین وضعیت کلیسایی مشترک، نقش مؤثرتری داشته باشند.» (نامه های شبانی پاتریارک های کاتولیک شرق، شماره های ۴۵ و ۴۶).

«هم چنین شورای اسقفان واتیکان دو، این اشکال را در نظر گرفته و کلاً از یاد تعداد اسقفان مستقل در یک شهر به طور دلخواهی نیست (اسقفان واتیکان دو، ۲۳:۳). اما زمانی که این حالت ناگزیر باشد، باید مشاورت دائمی آن را التیام بخشند: «با وجود این، اسقفان مختلف کلیساهای خاص که دارای حق قانونی در یک حوزه هستند باید به طور مرتب هر چند وقت یک بار جهت مشاوره با هم دیدار نمایند، و به این ترتیب اتحاد عمل را تقویت بخشند و جهت انجام وظایف مشترکشان با هم تلاش نمایند، تا خیریت دینی را و به طور مؤثرتری انتظام کشیشان خود را حفظ نمایند.» (مجمع واتیکان دو، کلیساهای کاتولیک شرق، شماره ی ۴).

اما امیدی هست، چون همه ی اسقفان خاورمیانه، به خوبی به این بی نظمی اوضاع کلیسا آگاه می باشند. نه تنها در خاورمیانه بلکه در غرب نیز این مسأله هم برای کلیساهای کاتولیک و هم کلیساهای ارتدوکس به خاطر مهاجرت سریع مسیحیان کشور ما مطرح می شود: آیا باید در هر شهر کشورهای غرب

نیز هر کلیسای شرق یک اسقف داشته باشد همین طور که در کشور ما مسئولان غربی مسئولان خود را برقرار نمودند.

مسئولان کاتولیک و ارتدوکس کوشش می کنند با برپا کردن ساختار همکاری مابین اسقفان یک شهر اوضاع را بهتر سازند.

... اما در واقع این تصمیمات ناچاراً موقت و تخریبی می باشد. بدین خاطر، پاتریارک های کلیسای ارتدوکس یک شورای همه کلیساهای خود آماده می سازند تا از جمله این مسأله را حل کنند.

هم چنین کاردینال Lubomyr-Husar سراسقف کلیسای کیف در اوکراین برای کلیسای رم کاتولیک، مکرراً شورای خاص اسقفان جهت کلیساهای کاتولیک خاورمیانه، می طلبد تا مسائل مختلف حل کرده، مشارکت مابین کلیساهای خاورمیانه عمیق تر سازد و مأموریت آنها را به پیش برند.

ب. قانون اساسی: مشورت و همکاری مابین تمام مراتب مسئولان

جوان: اما هنوز برایم توضیح ندادید که چرا جهت دستگذاری اسقف جدید، چندین اسقف باید همکاری کنند، با علم به این که در آیین مهم تری، تنها یک اسقف یا کشیش، مثلاً جهت تقدیس نان و شراب کافی است! علاوه بر این، پاتریارک این کلیسای محلی حضور دارد و بر مراسم ریاست کند. پیر: آیا به خاطر می آوری که متن انتخاب متیاس به جای یهودا چگونه تمام می شود: «متیاس با دوازده رسول محسوب گشت» (اع: ۱: ۲۶).



هم چنین اسقف جدید، مسئول کلیسای خاص خواهد بود و نیز در شورای پاتریارک خود وارد می شود و در خدمت مشارکت کلیساهای محلی و در جهت اعلام کردن راز مسیح، در این منطقه و در تمام دنیا به عنوان جانشین رسولان، با برادرانش همکاری خواهد کرد.

بدین معنی چند اسقف همراه با پاتریارک، نیایش می کنند تا شخصی که در این شورا ی اسقفان وارد می شود و چنین مسئولیت سنگینی عهده دار می شود، روح القدس را بیابد.

و در اینجا نشانه ای از تمام اسقفان شورا می باشند، در اتحاد با پاتریارک این کلیسای محلی. از این راه، آیین تقدیس اسقف جدید نکته مهم را در رفتار مسئولین در هر درجه و مرتبت کلیسایی اشاره می کند:

در کلیسا هیچ کس نمی تواند به تنهایی یا مستقلاً و طبق توهمات فردی به دیگران خدمت کند. زیرا کلیسا مشارکت است و کسانی که به آن خدمت می کنند بایستی در مشارکت با یکدیگر باشند، مثلاً یک کشیش زیر نظر اسقف خود با گروه کشیشان همکاری می کند. هم چنین یک اسقف در اتحاد با پاتریارک خود و در همکاری با اسقفان دیگر



عمل می کند. معمولاً هیچ اسقفی به تنهایی نمی تواند وظیفه ی سنگین خود را به انجام برساند. از طرفی دیگر این وظیفه، کار یک انسان جدا از دیگران نیست. اسقف احتیاج به همکاری دارد تا با مشورت ایشان مطلع شده، تفکر نموده و اراده ی خدا را تشخیص دهد. کشیشان و سپس شماسان اولین همکاران از مرتبت اسقفان می باشند. در واقع با راز تقدیس که می پذیرند، هر مسئول در گروه خادمین خاص خود وارد می شود.

اما موضوعی که ممکن است ما را متعجب نماید این است که اسقف نباید به تنهایی و بدون مشورت کشیشان همکار خود عمل کند و هم چنین پاتریارک نیز نمی تواند از گفتگو و مشورت با اسقفان مجمع خود اجتناب ورزد. همه بایستی اراده ی خدا را جستجو نمایند. بنابراین در واقع، همه باید از خدا اطاعت نمایند، البته با نشانه ها و واسطه ها که مسیح به ما داده و می دهد. برای روشن شدن این مطلب عمل کنند. پس تمام مسئولیت ها در کلیسا جنبه ی مشارکتی دارند یا اگر بخواهیم کلمه ی دقیق تری به کار ببریم باید بگوییم یک جنبه ی جمعی دارند زیرا هر کلیسا یک مشارکت است.

- مأموریت پاتریارک و پاپ را بعداً بحث خواهیم کرد. فعلاً درباره ی تصمیم کلیسا جهت همکاری مابین اسقفان را بررسی می نمایم.

واقعاً در کلیسای خدا، به تنهایی نباید عمل کرد یا نباید بصورت منزوی درباره امور مهم تصمیم گرفته شود. البته، اسقف مسئول امور کلیسای خاص خود می باشد، اما در مشارکت و اتحاد با برادرانش. این امر مهم در قوانین رسولان (شماره ۳۴) که در هزاره اول، اغلب کلیساها به آن رجوع می کردند و امروز نیز در ارتباط با اتحاد کلیساها، یادآوری می شود، این گونه تأکید می کند:

«اسقفان هر منطقه بدانند که چه کسی از میان آنها شخص اول است و او را رئیس خود در نظر گیرند و بدون توافق او آنان نباید به هیچ کاری دست بزنند، حتی اگر بر هر اسقف امور کلیسای خاص خود و محل های مربوط به آن را باید به عهده بگیرد. اما شخصی که رئیس و اول است نیز نباید بدون موافقت سایرین کاری انجام دهد. بدین ترتیب است که هماهنگی و یکدلی حاکم شده و خدا توسط مسیح در روح القدس جلال خواهد یافت.»

این قوانین، قبل از اولین شورای اسقفان در نقیبه (سال ۳۲۵ میلادی) جمع آوری شده است. و این شورا در تصمیم شماره ۱۵ خود و هم چنین شورای قسطنطنیه (سال ۵۸۰ میلادی) به اقتدار این قانون تأکید کرده است. اخیراً نیز پاپ ژان پل دوم در دو متن رسمی، این قانون قدیم را باز نویسی نموده در سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۳ Pastores Regis No. 61 و Ut Sint Unum No. 95 کتاب تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک شماره ۸۸۷ و هم چنین پاتریارک های کلیسای کاتولیک در عید میلاد ۱۹۹۶ آن را تأکید می نماید (شماره ۴۵، راز کلیسا). از دیدگاه کوشش مابین کلیساها، انجمن وحدت گرای کلیساها

در سال ۲۰۰۵ در سند شماره ۱۹۸ به عنوان سرشت و مأموریت کلیسا و هم چنین پیشنهادها جهت اتحاد که در نتیجه ی جلسه ی داوون (۸ تا ۱۴ اکتبر ۲۰۰۷) مابین متخصصین کلیسای کاتولیک و ارتدوکس برگزار گردید. این قانون را باز نویسی کرده اند. بنابراین تمام این سند های رسمی مبین این است که این قوانین امروزه نیز اهمیت زیاد دارند.

البته، تمام اعضای کلیساها باید به صورت شورایی عمل کنند زیرا همه تعمید یافته اند، اما به عنوان اعضاء باید به مسیح یعنی به سر مستمسک بشوند که از آن تمامی بدن توسط مفاصل و بندها مدد یافته و به هم پیوند شده، نمو می کند (افس ۴: ۱۱؛ کول ۲: ۱؛ ۱ پطرس ۲: ۹-۱۰). و در واقع، این مفاصل و بندها را می توان مسئولان کلیسا در نظر گرفت. اسقف نه تنها مسئولیت اتحاد کلیسای خاص خود را در ایمان محکم سازد، بلکه نیز مشارکت کلیسای خود با دیگر کلیساهای محلی، بنابراین با اسقفان و پاتریارک را استوار می سازد.

در نتیجه کلیسا جهت رشد و نمو در اتحاد و مشارکت، از قرون اولیه، ساختاری را به خود داده که باید همیشه زنده و مؤثر بماند:

- اسقف در کلیسای خاص خود، مشارکت ایمان داران را استوار نگاه می دارد و در مأموریت و شهادت رهنمایی می کند و با گروه کشیشان خود باید مشورت کند.

- سراسقف علاوه بر این، در استان خود، مشارکت اسقفان کلیساهای خاص را استوار نگاه می دارد.

- پاتریارک در قلمرو وسیع تر خود اتحاد سراسقفان و اسقفان کلیساهای خاص مربوطه را استوار نگاه می دارد.

- اسقف رم که پاتریارک کلیسای لاتین و پاپ تمام کلیسای کاتولیک

می باشد، مشارکت همه ی پاتریارک ها و اسقفان راوهم چنین تمام کلیساهای محلی در آن اتحاد که مسیح، یکتا سر و رئیس به کلیسای خود ارزانی داشت، استوار نگاه دارد.

- در تمام مراحل مسئولیت، هر اسقف در بطن تن مسیح که کلیسای کاتولیک است عمل می کند.

در عهد جدید عناصر اولیه این ساختار را جهت مشارکت می توان دید.



عیسا بعد از این که تمام شب در دعا مانده بود، هر رسول را انتخاب

کرده، اما نه به صورت انفرادی بلکه همراه با یک گروه دوازده نفری با هم.

- بصورت مشابه در روز پنجاهه بعد از نبایش طولانی، شعله ی روح القدس بر هر یک از رسولان نازل می شود، اما همراه با برادرانش.

- با هم در ارتباط با امور مهم برای کلیسا تصمیم می گیرند (اع ۶: ۲) و اعلام می نمایند که تصمیم شان

در نور روح القدس تشخیص داده شده است «روح القدس و خودمان تصمیم گرفتیم که...» (اع ۱۵: ۲۸).

-از آغاز زندگی کلیسا، می بینیم که هر کلیسای محلی نه تنها کوشش نمی کند که در انزوا به سر برد و خود را راضی نموده، بلکه برعکس کوشش می کند با کلیساهای همسایه ی خود ارتباط برقرار نماید؛ از قبل پولس رسول این تبادل را توصیه می کرد (کول ۴:۱۶). علاوه بر این، کلیساهای متمول تر را تشویق می کرد که کلیساهای ضعیف، مخصوصاً کلیسای اورشلیم را یاری نمایند (اع ۱۱:۲۹-۳۰؛ ۱۷:۲۴؛ ۱۶:۱۶-۲۴؛ ۲۴:۸-۱۵؛ روم ۱۵:۲۶-۲۸). و اگر پولس به این تقسیم داری این قدر اهمیت می داد، بدین دلیل بود که نشانه ای از مشارکت مابین کلیساها می داد (۲:۹؛ ۱۳).

از زمان رسولان، مسئولان کلیساهای محلی، با هم مشورت می کردند و مسائل مشکل تری مثل وارد شدن غیریهودیان در کلیسا با یک دیگر بحث و سپس تصمیم می گرفتند (اع ۱۵:۱-۹؛ غ لا ۲:۱-۹). کلیساها نیز نامه ها و نمایندگان را بین خود مبادله می کردند (کول ۴:۱۶). تدریجاً کلیساهایی که رسولان برپا کرده بودند، اهمیت بیشتری پیدا می کردند و به اسقفان این کلیساها مراجعه می شد تا مشارکت در یک ایمان، در میان این کلیساهای مختلفی که از راه شهادت این اولین مجامع رسولی به وجود آمده بودند، استوارتر شود. به صورت مثال، سومین اسقف شهر به اسم کلمنت که قبلاً رسولان را شناخته بود در سال ۱۰۰ میلادی، نامه ای بسیار قاطع به کلیسای شهر قرنتس نوشت تا کشمکش در این جماعت مسیحی را خنثی کند، چند سال بعد نامه هایی که ایگناسیوس قدیس، اسقف انطاکیه به کلیساهای مختلف نوشت به ارتباط پر از محبت که این کلیساها را به یک دیگر مرتبط می ساخت، نشان می دهد. علاوه بر این، بر اهمیت خاص اسقف شهر رم شهادت می دادند، نه تنها به خاطر این که این شهر پایتخت امپراتوری می بود، بلکه به خاطر مأموریت و شهادت پطرس در آن شهر، که اسقف آن جانشین او بوده و سنت او را با وفاداری نگاه داری می نمود.

تدریجاً، اسقف هر کلیسای محلی را می بینیم که به عنوان ناظر بر ایمان به مشارکت با کلیساهای دیگر با عنوان «کلیساهای خواهر» نگران بودند. در واقع، هر یک از این کلیساهای محلی می خواهد کلیسای کاتولیک باشد، یعنی کلیسایی که کل و تمامیت راز کلیسای خدا در عیسای مسیح پذیرفته باشد. رازی که در هر کلیسای خاص، زمانی که در تطابق با ایمانی که از عیسا نشأت گرفته و از رسولان منتقل شده، زندگی می کنند.

در نتیجه، هر وقت اسقفان، گرد هم آمده تا با یک دیگر مشورت کرده و تصمیم بگیرند، وعده ی مسیح را در ذهن خود یادآوری می کنند: «وقتی دو یا سه نفر در اسم من جمع شوند من در میان ایشان هستم.» (مت ۱۸:۲۰، ۲۸:۲۰). این سخن اساسی مسیح، اهمیت قانون رسولانی که ذکر نمودیم، بنا می نهد.

حال می توانیم اهمیت مراتب مسئولانی که کلیسا به خود داده، تا این مشورت و مشارکت مابین کلیسا محلی و مسئولان آن را درک کنیم؛ این همان طرح پاتریارک ها و پاپ و مجمع اسقفان می باشد.

ج - پاتریارک ها و مسئولیت های ایشان

جوان: در آیین تقدیس اسقف جدید، اغلب حضور یک پاتریارک و اهمیت نیایش او را می بینیم، آیا در این جا در سلسله مراتب رسولی، درجه ای بالاتر از اسقف داریم؟ و آیا پاتریارک راز مخصوصی به او داده شده است؟



پیر: خیر. بالاتر از اسقف هیچ مرتبتی در کلیسا وجود ندارد و یک پاتریارک و هم چنین خود پاپ رم، هم چون دیگران دارای همین مرتبت اسقفی می باشند. اما در خدمت اتحاد اسقفان منطقه وسیعتر، بنابراین، در خدمت مشارکت کلیساهای خاص این منطقه، مسئولیت مخصوصی را عهده دار می باشند.



او در همدریفان خود، رئیس است، به قول معروف "Primus inter Pares"

جوان: در کلیسای اولیه چند پاتریارک وجود داشتند؟



پیر: از قرن پنجم، چهار شهر که از لحاظ سیاسی مهم تر بودند به عنوان پایتخت استان امپراتوری رم وجود داشتند، و طبعاً اسقفان این چهار شهر اهمیت بیشتری پیدا کرده و البته علاوه بر اسقف اورشلیم، چون این شهر مادر تمام کلیساهای می باشد، تدریجاً این پنج اسقف عنوان پاتریارک، همان گونه که امروز می نامیم، خوانده شدند.



البته رسولان نیز قبلاً اهمیت پایتخت این استان امپراتوری را درک کرده بودند، بنابراین پطرس رسول با همکاری پولس، کلیسای انطاکیه و رم را تأسیس کردند همان طور که مرقس، همکار این دو نفر می بود، طبق سنت، کلیسای اسکندریه را برپا نمود.

بعد از آن وقتی امپراتوری قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری خویش در شهر قسطنطنیه برپا نمود، کلیسای این شهر اهمیت خویش را اعلام کرده و ادعا کرد که آندریاس رسول، این کلیسا را تأسیس کرده بود.

بنابراین، شورای جهانی اسقفان اولیه، وجود پنج حوزه ی پاتریارکی اعلام کرده که اهمیت اینها هم از جهت اهمیت سیاسی شهرهای مربوطه، و هم از دیدگاه ایمان، به خاطر این که از سنت رسولی به میراث گرفته اند، شوراها ی قرون اولیه، اهمیت آنها که مربوط به یک دیگر بود تصمیم گرفتند.

- رم تأسیس گردیده توسط پطرس و پولس و اسقف آن جانشین پطرس می باشد.

- قسطنطنیه به عنوان پایتخت جدید (رم دوم) و طبق سنت تأسیس گردیده توسط آندریاس برادر پطرس.

- اسکندریه، تأسیس گردیده توسط مرقس که پطرس وی را به آنجا فرستاد.

- انطاکیه، تأسیس گردیده توسط پطرس.

- اورشلیم، علی رغم ویران شدن در سال ۱۳۵ توسط ارتش روم، چون مادر تمام کلیساهای می باشد.

اما باید توجه کرد که این سازمان دهی فقط از تصمیم اداره ای مسئولان ما سرچشمه می گیرد. در کلیسا روح القدس است که از راه تجربیات زندگی، کلیسا را رهبری می کند و به او اجازه می دهد که به راز تن یافت مسیح ادامه دهد.

بنابراین، می توان به ساختار کلیسا با طرح کلی زیر اشاره کرد که در سر آن مسیح است ولی نامرئی، اما واقعاً وجود دارد (مت ۲۸: ۲۰)، و اعضای آن کلیساهای محلی در مشارکت به یاری این مفاصل و بندها که مسئولان می باشند.

در این طرح، چندین مخروط هر می معکوس شده می بینیم که همه یک پایه دارند که ملکوت کامل خدا می باشد که سر و پادشاه آن مسیح است. همه ما در زمان پذیرفتن نان مقدس در آن شریک می شویم. و این آیین هر کلیسای پاتریارکی، برپا می کند در اتحاد با کلیساهای دیگر.

مسیح،

سر کلیسا، در اتحاد کامل با پدر و روح القدس

همیشه زنده تا برای ما استغاثه کند

کلیسای خدا

بدن عیسا رستاخیز شود

ملکوت کامل خدا

| | | |
|---------------------|---------------------|---------------------|
| کلیسای خدا تن گرفته | کلیسای خدا تن گرفته | کلیسای خدا تن گرفته |
| مقیم در قسطنطنیه | مقیم در اسکندریه | مقیم در شهر رم |

کلیسای خدا در شهر... در ارتباط با... پاتریارک.

دنیا



طرحی دیگر در نظر داشتم که ظاهراً آسانتر است، اما کاملاً اشتباه می باشد، زیرا سر کلیسا مسیح است و پاپ خیر.

او در مشارکت با کلیسا هست نه ظاهراً خارج از آن و همه ی مسئولان باید در مشارکت با او و در خدمت ایمان داران انجام وظیفه نمایند. این طرح ثقل و اغراق در مرکزیت را نشان می دهد. علاوه بر این در این طرح دنیای ما چه جایگاهی دارد؟

جوان: همه چیزهایی که درباره ی اقتدار پنج گانه ی پاتریارک ها گفته شده، برای من تعجب آور است زیرا این ترتیب، فقط به پنج پاتریارک های رم و بیزانس مربوط است. پس این موضوع با کلیساهای ما در امپراتوری پارس، ارتباط ندارد، با علم به این که این کلیسای ما در هزاره ی اول گسترش عجیبی، تا چین و مغولستان یافته بود.



پیر: این سؤالتان بجاست، در واقع این اقتدار پنج گانه، کلیسای ما را و کرسی آن شخص که بعداً پاتریارک ما خواهد بود و در پایتخت این امپراتوری یعنی سلوکیان را فراموش کرده، این امور تا اندازه ای تعجب آور و رنج آور می باشد، اما دلایل آن چیست؟



ابتدا دلایل انسانی را تشخیص دهیم، زیرا هر کلیسا باید در احوال انسانی دنیای ما، تن گیرد. باری، تاریخ به ما می آموزد که مابین امپراتوری پارس و بیزانس، جنگ ها لاینقطع می بودند. علاوه بر این، فرهنگ بین النهرین زیر نفوذ حضور یک میلیون یهودی که بعد از تبعید به بابل در آن منطقه ماندگار شدند با تمدن یونانی امپراتوری بیزانس تفاوت بسیاری داشتند.

حال از دیدگاه کلیسایی، نتایج این حالت تأثیر عمیقی در امور ارتباط مابین اسقفان داشتند. از یک دیدگاه، جنگ ها، مسافرت های اسقفان به سوی امپراتوری بیزانس و مشارکت آنان در مجمع اسقفان بزرگ، مشکل ساز بود.

از دیدگاه دیگر، مسئولان سیاسی کشور، مسیحیان کلیسای ما را مظنون می انگاشتند به این دلیل که مسیحیت از امپراتوری بیزانس دشمن آمده بود. بنابراین، به زودی کلیسای ما، خواست خودمختاری خود را نسبت به امپراتوری بیزانس و پاتریارک های انطاکیه و قسطنطنیه به جا آورد.

علاوه بر این، امپراتوری بیزانس نفوذ مهمی بر کلیساها در قلمرو داشت، و به مسیحیان پارس که دور از نفوذ او زندگی می کردند، اهمیتی نمی داد. بالاخره کلیسای ما از دیدگاه فرهنگی و زبان، به خاطر این که انجیل در بین النهرین از راه جماعت کثیر یهودیان، وارد شده که به زبان آرامی صحبت می کردند، به این منشأ و ریشه ی اصیل کتاب مقدس نزدیک ماند، بنابراین، فلسفه ی یونانی که در الاهیات کلیساهای بیزانس و شوراها ی اول نفوذ داشته، برای کلیسای پارس دور بوده. در نتیجه علاوه بر دور شدن کلیساها از کرسی انطاکیه و قسطنطنیه، گاه انسان ها از این احوال انسانی استفاده کرده و از سوء تفاهم در مجمع اسقفان افسس در سال ۴۳۱ که باعث شده نسطوریوس پاتریارک قسطنطنیه

محکوم شود، استفاده کرده و ارتباط و مشارکت مابین کرسی سلوکیان و انطاکیه، بنابراین بیزانس منقطع گردید، بنابراین، پاتریارک های امپراتوری بیزانس، بدون در نظر گرفتن کلیسای ما و پاریارک آن، زیر نظر امپراتوری بیزانس، ترتیبی برای خود به صورت اقتدارگرانه دادند.

بنابراین، در هزاره اول، این پنج پاتریارک، با حکومت پنج گانه، اتحاد تمام کلیساهای امپراتوری رم را نگاه می داشتند و با هم در مشارکت، تصمیمات لازم را می گرفتند مگر این که در ارتباط با اهمیت اوضاع خطرناک، جمع آوری شورای جهانی اسقفان الزامی می بود. حضرت پاپ به عنوان جانشین پطرس رسول، مسئولیت ریاست این حکومت پنج گانه را عهده دار می بوده، البته این حکومت گروهی، بدون اشکال نبود، زیرا اسقف رم به اهمیت کلیسای قسطنطنیه اعتراض می کرد، زیرا این کلیسا توسط یکی از رسولان تأسیس نشده بود. و اگر در میان کلیساهای پاتریارکی، مقام دوم بعد از کرسی رم ادعا می کرد، فقط به دلیل سیاسی، رم دوم جایگاه جدید امپراتوری شده بود، بنابراین در رقابت سیاسی با رم، اول می بود. این اختلاف مابین اسقفان کلیساهای رم و قسطنطنیه در طول قرون به خاطر مسائل سیاسی و فرهنگی و رقابت مابین افراد مسئول عمیق تر می شد.

گفتیم که روح القدس، کلیسا را راهنمایی می کند، اما شیطان نیز در آن عمل می کند و با وسوسه های خود مخصوصاً بر ضد مسئولان، کوشش می کند اتحاد کلیسا را از بین برد؛ همیشه گناهان ماباعت تفرقه در کلیسا بوده و هست. بدین گونه از قرن یازدهم پاتریارک های قسطنطنیه، انطاکیه و اسکندریه با کرسی رم، دیگر ارتباط نداشتند.

بالاخره در قرن یازدهم پاپ، رم، پاتریارک قسطنطنیه همراه با پاتریارک های اسکندریه و انطاکیه و اورشلیم جدا شدند. در نتیجه، پاپ رم عادت نمود که تصمیمات لازم را برای کلیسای غرب در انزوا از کلیساهای شرق بگیرد و ثقل و مرکزیت در دوره ی کرسی رم به تدریج استوارتر سازد. از این به بعد این پاتریارک ها دیگر نمی توانستند با حضرت پاپ همکاری کنند و در نتیجه کلیساهای غرب و کلیساهای شرق کم کم جدا شدند، از هم دور شدند، اما وقتی بعضی از ایمان داران کلیساهای شرق، اتحاد با حضرت پاپ دوباره پیدا کردند و برای ایشان کلیساهای خاص جدید یعنی کلیسای کاتولیک شرق برپا شده، کرسی پاتریارک ها و اسقفان واقعاً یک دیوان شد. چون برای این ایمان داران کلیساهای شرق کاتولیک هر گروه در هر شهر اسقف خاصی انتخاب کردند و هم چنین برای هر کلیسای شرق یک اسقف جدید کاتولیک برپا شده، علاوه بر این، به خاطر کوشش مأموریت کلیسای لاتین و نیز و به خاطر فتوحات استعماری کم کم کلیسای لاتین بیرون از اروپا و در تمام دنیا گسترش پیدا کرد، علاوه بر این در شرق، کلیسای ارتدوکس بیزانس کم کم تقسیم شده با کلیساهای خودمختار (Autocephale) و اقتدار پاتریارک بیزانس که قبلاً در تمام کلیساهای بیزانس ارتدوکس اقتدار داشته، ضعیف شده.

با این همه، شورای اسقفان واتیکان دوه اهمیت پاتریارک ها در کلیسای خود تأکید کرده (ر.ک نور جهان شماره ی ۲۳ و وحدت گرایی شماره ی ۱۴).

شورای اسقفان حتا اشاره کرده که اگر لازم است باید پاتریارک های جدیدی اضافه شود (ر.ک خداوند مسیح، شماره ی ۳۸ پاراگراف ۵ و کلیسای شرق کاتولیک شماره ی ۱۱).

حتابعد از این شورای اسقفان، پاپ ژان پل دوم در نامه ی رسمی خود به عنوان «تایکی شوند» شماره ی ۵۵ و ۵۶، اهمیت پاتریارک ها را یادآوری می کند:

«در کلیساهای خاورمیانه پاتریارک ها در خدمت مشارکت اسقفان یک ایالت با تمدنی مشترک و اتحاد مابین کلیساهای مربوط خدمت می کنند. اسقف رم به عنوان پاتریارک، این خدمت را در کلیسای لاتین عهده دار می باشد و به عنوان پاپ، پاتریارک های مختلف دیگر در مشارکت یکتا کلیسای کاتولیک در اتحاد جمع می کند هر پاتریارک باید این خدمت به اتحاد با همکاری مداوم اسقفان دیگر را جهت مشورت و توصیه به صورت هیات متناوب انجام دهد بنابراین شورای واتیکان دوم اعلام کرده است:

«حکمت الاهی خواست که کلیساهای مختلف مستقر در مکان های گوناگون توسط رسولان و جانشینان ایشان ایجاد شده و در طول زمان گروه های متعددی به صورت متحد سازمان یافته این گروههای کلیسایی با حفظ اتحاد ایمان و سرشت یگانه ی الاهی کلیسای جهانی از نظم و مقررات و کاربرد آیین پرستش و هم چنین میراث علم الاهی و روحانی خاص خود برخوردار هستند».

«برخی از این کلیساها و به ویژه کلیساهای پاتریارکی کهن هم چون مادران ایمان به دیگر کلیساها هم چون فرزند تولد دادند تا به امروز این کلیساهای کهن با کلیساهای جدیدتر در زندگی رازگونه و احترام دوجانبه جهت وظایف متقابل مشترک اند».

«این گوناگونی در کلیساهای محلی به طور مخصوص با سودای خویش جهت اتحاد نشانگر جنبه ی جهانی کلیسای تقسیم نشده می باشند».

«امروزه به همین طریق هیئت های اسقفی تمایل به همکاری چندجانبه و ثمربخش دارند تا آن که این جنبه ی وحدت جمعی عملاً بکار بسته شود».

«نهاد حوزه ی پاتریارک ها شکل سنتی مدیریت در کلیساهای شرق است مجمع اسقفان مایل است هر جا که لازم باشد حوزه های جدید اسقفی ایجاد شود این مهم در انحصار مجمع اسقفان کلیسایی یا مقام عالی کلیسای کاتولیک است».

«... ساختار کلیسا در شرق و در غرب از میراث سنت رسولی تشکیل می شدند و اتحاد آن کلیسا در محدودیت های هزاره اول توسط اسقفان به عنوان جانشین رسولان و در مشارکت با اسقف رم. در همان ساختارها حفظ می شدند، امروز اگر در اتمام هزاره دوم کوشش کنیم تا مشارکت کامل دوباره

برپا کنیم باید به آن اتحاد سازماندهی شده رجوع کنیم... ساختار اتحاد که قبل از تفرقه وجود داشتند میراثی از تجربیاتی می‌شوند که کوشش ما به سوی برگشتن به مشارکت کامل را راهنمایی می‌کنند...»

آیا توجه کردیم، این دو جمله‌ی آخر حضرت پاپ در این نامه نشان می‌دهد که، ساختار و سازمانهایی که در هزاره اول مشارکت مابین تمام کلیساهای محلی برپا می‌کرد باید امروز در نظر بگیریم به عنوان الگو تا اتحاد مابین کلیساهای شرق و غرب دوباره پیدا کنیم. بنابراین، اهمیت پاتریارک‌ها در این جا خیلی روشن شده است.

د- کاردینال‌ها

جوان: من هنگامی که تلویزیون تماشا می‌کنم، به نظرم می‌آید که کاردینال‌ها نسبت به پاتریارک‌ها، اهمیت بیشتری دارند.



پیر: در واقع، امروز توحق داری، البته فقط در ارتباط با کلیساهای کاتولیک در شرق و غرب. اما کاردینال‌ها چه کسانی هستند و مسئولیت آنها چیست؟



امروز وقتی یک پاپ وفات می‌کند، کاردینال‌ها وظیفه دارند جانشین وی را انتخاب کنند ضمناً اینها اولین گروه همکاری و مشورت با پاپ می‌باشند. بنابراین، خود پاپ در میان اسقفان کرسی مهم تر در دنیا و در ارتباط با فرهنگ‌های مختلف، کاردینال‌ها را انتخاب می‌کند و این روش کار، نتیجه‌ی گسترش کلی غرب در تمام دنیا از زمان کریستف کلمب و کشفیات وسیع او و هم چنین از زمان توسعه‌ی استعمار اروپایی‌ها که مسیونرهای لاتین آن را همراهی می‌کردند، می‌باشد. بدین صورت، حضرت پاپ مسئولیت خود نسبت به کلیسای جهانی از مأموریت خود به عنوان اسقف رم و پاتریارک کلیسای غرب، عمیق تر و مهم گردیده است. و پاتریارک‌های ارتدوکس از این حالت نگرانند و راضی نیستند.

البته در قرون اولیه و طبق سنت قدیم، تنها اسقفان استان رم گروه کاردینال‌ها را تشکیل می‌دادند و اینان مسئولیت انتخاب اسقف رم به عهده داشتند که در ضمن پاتریارک کلیسای غرب و پاپ کلیسای کاتولیک می‌بود. در واقع در کلیساهای خاورمیانه، امروز بدین صورت، اسقفان مربوطه و پاتریارک خود را انتخاب می‌کنند.

اگر بخواهیم تصمیمات اسقفان شورای واتیکان دو را به اجرا درآوریم، روشن است که کلیساهای پاتریارکی برای آینده‌ی کلیساهای در شرق و غرب اهمیت بسزایی دارند و اگر به هزاره‌ی اول به عنوان الگو جهت برپا کردن اتحاد نوین رجوع کنیم حتماً پاتریارک‌های مختلف در کلیسای جهانی، مسئولیت سنگین تری به عهده دارند.

ه - اسقف شهر رم و مأموریت او به عنوان پاپ در کلیسای جهانی

جوان: این همه تفصیل برای من تعجب آور است زیرا فکر می کردم که کلیسای کاتولیک تنها توسط حضرت پاپ رهبری می شود و همه بدون چون و چرا باید از او اطاعت کنند زیرا او جانشین پطرس رسول رهبر همه رسولان می باشد.



پیر: همه می دانیم که چگونه عیسا، پطرس را از بطن گروه دوازده رسول و جهت خدمت به آنان برای وظیفه ی ویژه ای برگزید. زمانی که پطرس ایمان خود را به نمایندگی بقیه ی برادران خود اقرار نمود عیسا به وی گفت: «تویی پطرس (به معنی صخره) و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم...» (مت ۱۶: ۱۸). باز عیسا زمانی که به پطرس اعلام می کند که ایمانش را انکار خواهد نمود می گوید: «هنگامی که تو بازگشت کنی برادرانت را استوار نما» (لو ۲۲: ۳۲). عیسا بعد از رستاخیزش همه ی بره های خود و بنابراین بقیه ی رسولان را به پطرس سپرد: «بره های مرا خوراک ده» (یو ۲۱: ۱۵). از زمان پنطیکاست، پطرس جای مخصوصی در میان رسولان داد: «پس پطرس با آن یازده برخاسته و آواز خود را بلند کرده...» (اع ۲: ۱۴).



از آغاز کتاب انجیل، پطرس همیشه در میان گروه رسولان، ابتدا اسم او می آید (مر ۳: ۱۶؛ مت ۴: ۱۸؛ ر. ک ۱ قرن ۱۵: ۳). بنابراین اگر این نقشه ی مسئول و این خدمت به گروه ۱۲ نفر در زمان کلیسای رسولان ضروری بود، چون کلیسا باید مأموریت خود را در زمان ادامه دهد، این ضرورت نیز می ماند (مت ۱۶: ۱۸؛ ۲۸: ۱۸-۲۰). کلیسای رم این خدمت را به ارث برده و اسقف آن که جانشین حضرت پطرس رسول است در خدمت جمع اسقفان می باشد.

جوان: بنابراین، همان طور که فکر می کردم، حضرت پاپ می تواند، تنها درباره ی ایمان زندگی کلیسای کاتولیک، تصمیم بگیرد، حتا جدا از اسقفان کاتولیک دیگر. این امر را خود عیسا اعلام کرده وقتی به پطرس تمام اقتدار بر کلیسا داد.



پیر: از یک دیدگاه، طرز تفکر تان حقیقت دارد، اما آیا زیاده روی نمی کنید؟ آیا می دانید که کلمه پاپ به معنی «پدر» نه امپراتور می باشد؟ در کجا از عهد جدید، پطرس رسول را می بینید که کاملاً جدا از رسولان دیگر، تصمیم گرفته عمل می کند؟ بر عکس، در اعمال رسولان، شروع به نزول روح القدس، او مژده را اعلام می کند «ولی ایستاده با یازده رسول دیگر» (اع ۲: ۱۱). و وقتی به یک خانواده افسر رومی، تعمید می دهد، فوراً باید به سؤال و اعتراض مسیحیان اورشلیم، جواب و توضیح دهد زیرا این کار را به تنهایی انجام داده بود (اع ۱۱: ۱-۱۸). و هم چنین وقتی وارد شدن غیریهودیان در کلیسا، مسأله ای داغ و عمومی می شود، پطرس با مسئولان دیگر مشورت کرده، با هم درباره این مسأله ی مهم برای آینده تصمیم می گیرد.



در واقع مسئولیتی که عیسا به پطرس داده، او را از گروه رسولان جدا نمی سازد بلکه او را خادم

ایمان و اتحاد اینها تعیین می کند (لو ۲۳:۳۳). پطرس با فروتنی پذیرفت که در عیسا درباره ی محبتش سه بار از او سؤال کرد و از این راه اعتراف کرد که سه بار عیسا را انکار کرده (یو ۲۱:۱۵). بعداً پطرس به مسئولان دیگر همان فروتنی را توصیه کرد (۱ پطرس ۵:۱-۵). در سال ۱۱۰ میلادی ایگناسیوس قدیس، تأکید می کرد که کلیسای رم «به محبت ریاست میکند».

در هزاره ی اول مسیحیت، همیشه وقتی مابین دو اسقف یا مابین دو کلیسای محلی اختلافی بروز می کرد، حق ارجاع به اسقف رم، مورد قبول همه بود و در این موقعیت تصمیم او لازم الاجرا بود. امروز، رفتار و گفتگو و کوشش از زمان اولیه کلیسا، همه قبول داشتند که کرسی رم «ریاست در محبت» دارا می باشد. اما همه ی اسقفان رم از ابتدا می دانستند که محبت بدون فروتنی وجود ندارد.

به صورت مثال، قدیس گرگوار کبیر که از سال ۵۹۰ تا سال ۶۰۴ پاپ رم بود، شهادتی گیرا از این فروتنی و احترام دیگر مسئولان در اعمال این اقتدار، از خود باقی گذاشته است. عالی جناب «اولوژ» پاتریارک اسکندریه در نامه ای قدیس گرگوار را با لقب «اسقف جهانی» خطاب قرار دادند. حضرت پاپ، جواب نامه ی ایشان را چنین دادند:

«آن عالی جناب بدین سان با من حرف می زند. «همان طور که شما به من فرمان داده اید» از شما می خواهم زمانی که درباره ی من حرف می زنید این کلمات را به کار نبرید زیرا واقفم از آن چه خود هستم و آن چه شما هستید. بر حسب مقام، شما برادران من و بر حسب اخلاق، پدران من هستید. بنابراین از من نیست که فرمان بدهم بلکه تلاش می کنم آن چه را به نظرم مفید می آید بیان نمایم. و در هر حال، حس نمی کنم که آن عالی جناب دقت به خرج داده باشند که در حافظه ی خود نگه دارند آن چه را که می خواستم در آن جا نوشته شود. زیرا قبلاً گفته بودم که شما به من و کسی به کسی دیگری نبایستی چنین خطاب کند. ولی اینک می بینم که در عنوان نامه ی شما عبارت «رفیع» پاپ جهانی آمده، عنوانی که من آن را رد نموده ام. از قدوسیت محبوب شما درخواست دارم که از این به بعد این کار را انجام ندهید زیرا با زیاد اختصاص دادن به دیگری، از شما کاسته می شود. نمی خواهم از طریق کلمات، بزرگی بیابم بلکه از طریق اخلاق. من به عنوان افتخار در نظر نمی گیرم آن چه را بر ضد افتخار برادران من خواهد بود افتخار من، افتخار کلیسای جهانی می باشد. افتخار من توانایی و شهامت بسیار برادرانم است. در حقیقت افتخار من زمانی است که از هر کس افتخاری را که شایسته اوست دریغ نگردد. ولی اگر آن قدوسیت شما مرا پاپ جهانی خطاب کنند خودشان را از این جهانی بودن که به من اختصاص داده اند محروم می کنند. امیدوارم که چنین نباشد. باشد کلماتی که باعث تفاخر باطن و ضربه به محبت می شوند از بین بروند».

جوان: اما امروز، این نامه کاملاً به فراموشی سپرده، و حضرت پاپ تمام اقتدار کلیسای کاتولیک را در اختیار دارد.



پیر: توجه داشته باشیم متن این نامه یک مورد استثنا نبوده و سنت کلیسا آن را به فراموشی نسپرده: مجمع اسقفان واتیکان اول در سال ۱۸۶۹ در بخش مربوط به اقتدار پاپ، جملاتی را که در نامه بالا پررنگ تر می باشد ذکر می کند.



هر چند شورای اسقفان واتیکان اول در سال ۱۸۶۹ ناتمام ماند ولی اقتدار اسقف رم بر تمام کلیسای کاتولیک مشخص گردانید. که این اقتدار بسیار وسیع و قاطع بر تمام کلیسای کاتولیک جلوه گر می باشد. اما همان نامه را ذکر کرده و تأکید کرد که این اقتدار کامل پاپ، نباید اقتدار هر اسقف را باطل کند، بلکه آن را «تأکید، مستحکم و دفاع کند» در نتیجه وقتی پاپ ژان بیست و سوم در سال ۱۹۶۲ شورای جهانی اسقفان دیگری در نظر گرفته و آن را افتتاح نمود، بعضی ها از خود سؤال کردند که آیا اکنون شورای جهانی اسقفان لازم است، زیرا حضرت پاپ بر تمام مسائل کلیسا اقتدار کامل دارد؟ ولی پاپ ژان بیست و سوم به خوبی تشخیص می داد که نفوذ اقتدار خود بدون مشورت با اسقفان دیگر و کمک ایشان محدود و کم اثر می ماند. و اگر تنها بماند، در انزوا رفتارش اشتباه و بر ضد سنت کلیسا خواهد بود...



در زمان معاصر، مثلاً به صورت عجیب پاپ پل ششم وقتی پاتریارک ارتدوکس قسطنطنیه، نماینده ای نزد او فرستاد، حضرت پاپ در کمال تعجب و ناباوری همه بر زمین خم شده پاهای او را بوسید که این رفتار یادآوری از خود عیسای مسیح که در آخرین شام پاهای رسولان را شست و گفت: «به شما نمونه دادم تا چنان که با شما کردم، شما نیز بکنید.» (یوحنا ۱۳: ۱۳-۱۵).

هم چنین پاپ ژان پل دوم در نامه ی خود به عنوان «تایکی شوند» مورخ ۲۵ می سال ۱۹۹۵ (شماره های ۹۵ و ۹۶) در ارتباط با گفتگوی بین الکلیسایی، مخصوصاً کلیسای ارتدوکس بیزانس نوشت: «بعضی ها از من درخواست کرده اند که تا برتری و ارجحیت اسقف روم را با تطبیق دادن با وضعیت کنونی و جدید مشخص نمایم. این درخواست را می شنوم اما بدون این که هیچ نکته ی مهم مسئولیت او را انکار کنم...»

بعد از اشاره به مشارکت برادرانه مابین کلیسای شرق و غرب در طول هزاره ی اول، حضرت پاپ با فروتنی کامل کمک مسئولان و متخصصین کلیساهای مختلف را درخواست می کند و می گوید:



«از روح القدس التماس می کنم که نور خود را به ما دهد و همه ی

شبانان و الاهی دانان کلیساهای مختلف ما را منور سازد تا بتوانیم، البته با هم، روش هایی پیدا کنیم که اجازه دهند این مأموریت «پاپ رم» خدمت محبتی شود که هم ما و هم شما آن را بپذیرید.»

«این وظیفه، وسیع می باشد که نمی توانیم آن را رد کنیم و من به تنهایی نمی توانم آن را به اتمام برسانم. مشارکت واقعی حتی اگر کامل نباشد که در میان ما وجود دارد، آیا نمی تواند مسئولان کلیساها همراه با الاهی دانان خودشان را برانگیزند تا درباره ی این موضوع با من یک گفتگوی برادرانه و پرحوصله افتتاح کنیم که در آن دور از مجادله ی بی ثمر به عقیده ی هم دیگر گوش فرا دهیم، ولی با یاد داشتن اراده ی مسیح جهت کلیسای خود، فریاد او را تکرار کنیم» همه یکی باشند... تا جهان ایمان آورد که تو ما را فرستاده ای» (یو: ۱۷: ۲۱)؟

در واقع بعضی اوقات پاپ در طول تاریخ از اقتدار خود به صورت ناجور و فردی استفاده کرد و پاپ ژان پل دوم از این نوع اشتباه پوزش طلبید (تا یکی باشند، شماره ۸۸).

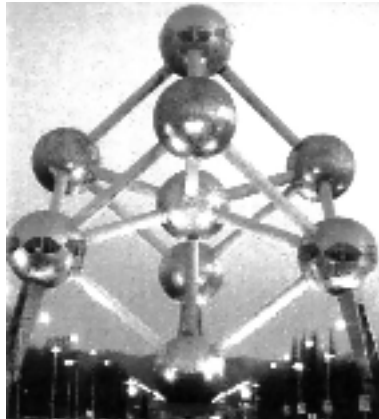
در این زمان وقتی حضرت پاپ تصمیمات شورای اسقفان و اتیکان دو، امضا می کرد، خود را به این عنوان معرفی می کند: «پولس، اسقف کلیسای کاتولیک، خادم خادمین خدا، در مشارکت با پدران این جماعت مقدس...»

این مثال، آشکارا به ما نشان می دهد که حضرت پاپ به عنوان، نخستین، در میان گروه اسقفان، و در برابر خدا مسئول اتحاد کلیساها، خود را شاگرد خداوند و خادم برادران همتای خود می داند. طبعاً بعضی ها با استفاده افراطی از اقتدار خود، باعث گسستگی اتحاد کلیساها شده اند. آیا در برابر کوشش فعلی همه ی کلیساها به سوی وحدت و تلاش پاپ ها جهت خدمت واقعی طبق انجیل، می توان امیدوار شویم که با همکاری قدرت روح القدس، اتحاد از دست رفته را بازیابیم، همان طور که در فصل قبل به آن اشاره کردیم؟

اگر به صورت خلاصه، آن قانون رسولی که اهمیت آن واضح و آشکار است، در نظر بگیریم، می توان دو نوع اقتدار مطلق در کلیسا درک کنیم:

۱. تصمیمات شورای جهانی همه ی اسقفان، که با موافقت حضرت پاپ جمع شده اند.
 ۲. تصمیمات رسمی پاپ رم، بعد از مشورت با تمام اسقفانی که در جای جای جهان پراکنده هستند.
- همه ی کاتولیک جهان به این دو نوع تصمیمات با ایمان از آن اطاعت می کنند.
- اینک خلاصه ی رسمی از کتاب رسمی کلیسای کاتولیک ذکر کنیم:

۱۸۵. خطا ناپذیری مقام تعلیمی کلیسا در چه مواقعی تحقق می یابد؟
خطا ناپذیری در سه موقع تحقق می یابد:
- وقتی که پاپ اعظم به خاطر اقتدار خود به عنوان شبان اعلا ی کلیسا، آموزه ای در ارتباط با ایمان یا اخلاق با یک تصمیم قطعی اعلام می کند.
- وقتی که گروه رسمی اسقفان در مشارکت با حضرت پاپ، مخصوصاً زمانی که به صورت شورای جهانی اسقفان جمع شده اند.
- وقتی که به صوت تعلیم معمولی خود، پاپ و اسقفان، همگی اعلام می کنند که یک آموزه قطعی است.



اگر دوباره، عکس اتومیوم که در ارتباط با همکاری کلیساهای محلی، نشان دادیم، حال به همکاری و مشارکت اسقفان، پاتریارک ها و باب، خودتان چگونه آن را تفسیر می نماییم.

و اجتماع مختلف اسقفان: مجامع محلی و شوراهای جهانی

جوان: اتفاقاً در طول این کتاب، به شورای اسقفان واتیکان دوم مکرراً اشاره شده است، این شورا چرا این قدر اهمیت دارد؟



پیر: بیشتر از شوراهای اسقفان دیگر اهمیت ندارد ولی اگر بیشتر به آن اشاره می کنیم به خاطر این که آخرین شورا بوده که در سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ جمع شده بود و مسائل زمان معاصر را بررسی کرده، بنابراین، ما باید تصمیمات آن را بریا کنیم.



در این شورا تمام اسقفان دنیا جمع شدند و بدین خاطر شورای جهانی نامیده می شود که اهمیت زیادی دارد ولی مجامع اسقفان محدودتر دیگری نیز وجود دارند که تصمیمات آنها کمتر اهمیت دارد از جمله:

- مجمع کلیسای خاص زیر نظر اسقف مربوطه؛
- مجمع پاتریارکی جهت هر کلیسای محلی با همه ی اسقفان این منطقه همراه با پاتریارک مربوطه.
در نتیجه می بینیم که هر شخص مسئول با مشورت با مسئولان دیگر تصمیم خود را می گیرد.

در شورای جهانی واتیکان دو، اسقفان به اهمیت مجمع مخصوصاً جهت اتحاد کلیساها آگاهی می داشتند، و می خواستند که بر طبق سنت اصیل و قدیم، آنها احیا شوند.

«از قرن آغازین کلیسا، مشارکت در محبت برادرانه و دل واپسی به مأموریت جهانی که به رسولان واگذار شده بود، اسقفان کلیساهای محلی را برانگیختند تا قدرت ها و اراده ی خود متحد سازند در جهت ترفیع خیریت



همگانی کل کلیساها و هر کدام از اینها. به این جهت جلسات مسئولان به صورت مجمع محلی یا استانی و بالاخره جهانی برپا گردید که در آن اسقفان، قوانین یکسان جهت تعلیم حقیقت های ایمان و سازمان دهی نظم کلیسایی را تصمیم گرفتند.

«این شورای مقدس و جهانی، مشتاقانه امید خود را ابراز می دارد که این نهادهای ستودنی شوراها و مجامع با تلاشی مجدد شکوفا شوند تا رشد ایمان و حفظ نظام در کلیساهای مختلف به صورت انطباق و تأثیر بیشتر شکوفا شود.» (مسئولیت شبانی اسقفان، شماره ۳۶).

«پاپ به عنوان اسقف رم و جانشین حضرت پطرس منشأ همیشگی و دیدنی و هم چنین اساس اتحادی که اسقفان و هم چنین انبوه ایمان داران را به هم دیگر می پیوندد، می باشد.»
«در واقع، کاهن اعظم رم به خاطر مأموریتش به عنوان نایب مسیح و شبان تمام کلیسا، اقتدار کامل، اعلا و جهانی که آزادانه همیشگی می تواند به کار برد، بر کلیسا دارا می باشد.» (ر.ک نور جهان، شماره های ۲۲ و ۲۳).

«انجمن یا هیئت اسقفان، تنها اقتدار دارد وقتی به کاهن اعظم رم، به عنوان رئیس خود متحد شده باشد.» به این عنوان این انجمن «خود اقتدار اعلا و کامل بر تمام کلیسا دارا می باشد. اما این اقتدار تنها با رغبت کاهن اعظم رم می تواند اجرا شود...»

«گروه اسقفان، اقتدار بر تمام کلیسا به صورت اعلا در شورای جهانی به کار می برد.» «هیچ شورای جهانی وجود ندارد مگر این که به این عنوان تأکید یا حداقل مورد قبول جانشین پطرس واقع شود.» (نور جهان، شماره ۲۲).

تعلیم رسمی کلیسا، این همکاری پاپ با شورای جهانی اسقفان را چنین شرح داده :

۸۸۲- «شخص پاپ که اسقف رم و جانشین پطرس است، «مبدأ دائمی و مشهود و اساس اتحادی است که هم اسقفان [۸۳۴، ۱۳۶۹] و هم جمع ایمانداران را با هم جمع می کند.» «در واقع مسئول عالی کلیسای رم، به دلیل مأموریت خود به عنوان نماینده مسیح و شبان کل کلیسا، دارای قدرت کامل، عالی و جهانی هست، قدرتی که وی می تواند همیشه آن را آزادانه [۸۳۷] بکار گیرد.»

۸۸۳- «انجمن یا هیئت اسقفان اقتداری ندارد مگر در اتحاد با مسئول عالی کلیسای رم، به عنوان رئیس این هیئت. «بدین لحاظ، این هیئت نیز دارای «اقتدار عالی و کامل بر کلیسای جهانی است؛ اما این اقتدار بدون موافقت مسئول عالی کلیسای رم قابل اجرا نمی باشد.»

۸۸۴- «هیئت اسقفان، با ابهت در شورای جهانی اسقفان اقتدار خود را بر کلیسای جهانی اعمال می نماید.» اما «هرگز این شورا وجود ندارد مگر با تأیید یا حداقل به رسمیت شناخته شدن آن به وسیله ی جانشین پطرس.»

اسقفان به عنوان جانشینان رسولان و وظیفه دارند کتاب مقدس را تفسیر نموده، نکات مهم ایمان کلیسا را رسماً اعلام کنند؛ و مسیحیان، با ایمان به راز تقدیس اسقفان موظفند. اطاعت به تعلیم رسمی ایمان کلیسا را بپذیرند و تعلیم رسمی کلیسا آن را این گونه بیان می کند:

۸۸۸- «اسقفان با همکاری کشیشان به عنوان اولین وظیفه ی خود «باید تمام خلایق را به انجیل خدا موعظه نمایند» [۲۰۶۸] و این بر حسب حکم خداوند است. آنان «منادیان ایمان هستند، که شاگردان جدیدی را به سوی مسیح جذب می کنند؛ آنان معلمین معتبر ایمان رسولی هستند که «اقتدار مسیح به ایشان عطا گردیده است».

۸۸۹- «برای حفظ نمودن کلیسا در پاکی ایمانی که به وسیله ی رسولان منتقل شده است، مسیح که خودش راستی است، اراده نمود تا سهمی از خطا ناپذیری خود را به کلیسا عطا نماید. قوم خدا به وسیله ی «حس [۹۲] مافوق طبیعی ایمان» و تحت هدایت تعلیم رسمی و زنده کلیسا، «بطور پایداری به این ایمان وفادار است».

۸۹۰- «مأموریت تعلیم رسمی به طبیعت عهدی که خدا با قوم خود در مسیح بست، مرتبط می گردد. این وظیفه ی تعلیم رسمی در برگیرنده حفظ قوم خدا از انحرافات و ناتوانی ها است و نیز تأمین کننده ی [۸۵۱] امکان واقعی اقرار یک ایمان حقیقی و بدون اشتباه می باشد. بنابراین، هدف مأموریت تعلیم رسمی توجه به ماندن قوم خدا در آن حقیقت آزادی بخش است. برای انجام این خدمت، مسیح عطیه ی خطا ناپذیری در موارد ایمان و اخلاقیات را به شبانان کلیسا عطا نمود. به اجرا در آوردن این عطای الاهی اشکال مختلفی دارد».

ز- نتیجه

کوشش فعلی: مابین متمایل و گریز از مرکز

در نتیجه ی این بحث طولانی در مورد مسئولیت اسقفان در کلیسای ما، درک می کنیم که کلیسا زیر نفوذ روح القدس، می خواهد هم به خداوند ما وفادار باشد و هم در اوضاع این دنیای متغیر، عمیقاً تن گرفته باشد. ولی نیز می بینیم که همه ی ما مسیحیان و حتا مسؤلان ما کم و بیش توسط گناه زخمی شده و شیطان از گناه ما سوءاستفاده می کند تا اتحاد کلیساها گسسته گردد، و از این راه مانع مأموریتش شود.

امروز، مخصوصاً در ارتباط با کلیساهای خاورمیانه، ملاحظه می کنیم که بعد از وسوسه های تمرکز به گرد اسقف رم، برای کاتولیک ها و گسستگی کلیساهای خود محور برای کلیساهای ارتدوکس، حال، روح القدس همه را دعوت می کند که با هم راه های نوین جهت به کار بردن اقتدار در کلیسا پیدا نمایند.

از یک دیدگاه، پاپ ژان پل دوم عمیقاً درک می نمود که رفتار بعضی از پاپ های پیشین در به کار گرفتن مسئولیتشان، باعث تفرقه گردیدند، با علم به این که مأموریت آنها جمع آوری کلیساها در اتحاد می بود. بنابراین، از همه ی اسقفان و متخصصین کلیساهای ارتدوکس درخواست کرد در کوشش بهبودی رفتارشان به او کمک کنند (ر.ک نامه رسمی «تا یکی شوند» شماره های ۹۵-۹۶).

از دیدگاه کلیساهای ارتدوکس، مسؤلان متعدد، راه حل اشکالاتی که مهاجرت مسیحیان کلیساهای خودمختار و ازدیاد اسقفان در یک محل، تا به احتیاجات هر مسیحی، در زمان خودشان و طبق ملیت اصل آنها جواب دهند، کوشش می کنند. علاوه بر این، خدمت اتحاد که در کلیساهای ارتدوکس، پاتریارک قسطنطنیه در کلیساهای بسیار کوچک خود عهده دار می باشد، اغلب به رفتار فردگرایی بعضی از مسؤلان دیگر و رقابت بعضی از کلیساهای محلی وسیع تر، محدود می گردد. بنابراین، جمع آوری یک شورای بزرگ جهت همه ی کلیساهای ارتدوکس، فعالانه آماده میسازند.

در هر فرضیه در برابر اشکالات اوضاع اسقفان و هم چنین دشواری حالت کلیساهای محلی، این رهنمود اساسی ژان پل دوم در نامه ی رسمی خود به عنوان «مأموریت نجات دهند ما» (شماره ۴۹) با

جدیت یادآوری کنیم: «تنها با به عهده گرفتن مأموریت نسبت به غیرمسیحیان، جماعت غیرمسیحی خواهد توانست تفرقه‌ها و کشمکش خود را پشت سر گذاشته، و اتحاد و قدرت ایمان خود را بازیابد.»



۴. باران اسقف

بعد از بحث ما درباره‌ی راز اسقف و مأموریت او در کلیسا، آسان تر خواهد بود که درباره‌ی کشیش و شماس تعمق کنیم؛ زیرا به خدمت و کهنات اسقف و مأموریتش، مشارکت و همکاری می‌کنند: تنها کاهن بزرگ یک کلیسای خاص، اسقف می‌باشد.



این مینیاتور در همان انجیل دست نویس کلیسای انطاکیه به تصویر کشیده شده، در این جا دستگذاری کشیشی را می‌بینیم که اسقف رو به پشت قربانگاه ایستاده و کشیش را دستگذاری می‌کند، در پشت سرکشیش جدید یکی از خادمین کلیسا، دست خود را بلند کرده و اظهار می‌نماید: «این شخص، لایق و سزاوار این مسئولیت می‌باشد.»

الف- اهمیت مقام و ماموریت کشیشان:

جوان: این کلمه ی کشیش اندکی تعجب آور می باشد، در فرهنگ فارسی این کلمه از کجا می آید و چه معنی دارد؟



پیر: کلمه ی کشیش که در زبان فارسی، امروز رایج است از نظر لغوی از کلمه ی «قشیشا» واژه ای است که از زبان آرامی به معنای «پیر»، گرفته شده. همین طور کلمات «قس» و «قسیس» در زبان عربی از همین واژه ی آرامی یعنی «قشیشا» اقتباس شده اند. این واژه ی آرامی در عهد جدید به زبان یونانی با کلمه ی (Presbyteros) ترجمه شده و از این کلمه واژه های (Priest) یا (prêtre) در زبان های لاتین نشأت گرفته اند. آیا بهتر نخواهد بود که ما واژه ای فارسی تر مانند «پیر» به کار ببریم؟ آینده به ما نشان خواهد داد! همین طور که در مقدمه ی این باب نوشته شده است.



یادآوری ریشه ی واژه های بالا مشخص می کند که کشیشان جوامع مسیحی دنباله رو «مشایخی» بودند که جوامع یهودی را هدایت می نمودند و غالباً «کاهنان» یهودی نامیده شده اند (در زبان عبری (Kohen) و در زبان یونانی (hiereus)): در انجیل، آنان مورد انتقاد قرار گرفته و متهم می شوند که مسئولیت خاصی در محکومیت عیسا به مرگ بر عهده داشتند (لو: ۲۹-۳۷؛ یو: ۱۱-۴۷-۵۶). در جامعه ی یهود، «مشایخ» مسئولیت اجرای قوانین را برعهده داشتند (خروج: ۱۷: ۵-۶؛ اعد: ۱۱: ۶۱؛ اع: ۲۲: ۵) در حالی که کاهنان مسئول اجرای آیین بودند. همانطور که کتاب لایوان بیان می کند کاهنان در معابد، قربانی حیوانات را تقدیم می کردند و قوم را برکت می دادند. اما در عهد جدید چگونه است؟

واژه ی «کاهن» (hiereus) هرگز برای مسئول مسیحی به کار نرفته است. در عهد عتیق، کاهن اعظم میانجی خدا و انسان ها بود و می بایستی تورات را تعلیم دهد، قربانی قوم را به خدا تقدیم کند و برکت خدا را به قوم عطا نماید (لاو: ۹: ۲۳، ۱۰: ۱۰-۱۱؛ خروج: ۲۹: ۳۸-۴۶). در عهد جدید، عنوان کاهن به عیسا مسیح اختصاص داده شده (عبر: ۳: ۱؛ ۵: ۱-۴؛ ۹: ۱۱-۱۴؛ ر. ک مز: ۱۱۰). همین طور به قوم جدید خدا یعنی کلیسا (۱- پط: ۲: ۵، ۹؛ مکا: ۱: ۶؛ ۵: ۱۰؛ ۲۰: ۶؛ ر. ک خروج: ۱۹: ۵-۶).

هر ایماندار از طریق تعمید در مسیح، در واقع کاهن می شود یعنی از طریق زندگی، محبت، صدقه، شهادت دادن تا حد شهید شدن و به ویژه با تسبیح و جلال دادنش

«قربانی های روحانی» تقدیم میکند (روم: ۶: ۱۳، ۱: ۱۲؛ فیل: ۴: ۱۸؛ ۱- پط: ۲: ۵). بدین سان چون در کهنانت مسیح شرکت می جوید می تواند برای خانواده یا نزدیکانش یا کسانی که با وی دارای فرهنگ مشترک هستند یا کسانی که با خود وابستگی دائمی دارد میانجی باشد تا آنها بتوانند راه نجات در مسیح را بیابند حتی اگر در باره او هیچ نشنیده



باشند. بدین طریق کلیسا قوم گهنة اى است که متحد در شفاعت و قربانى مسیح، مى طلبد تا روح القدس آمده تمامی خلقت را تقدیس نماید. زیرا روح القدس یگانه برکت کلیسا با نیایش و تقدسش، برای «جمع کردن همه چیز در عیسا مسیح» (افس ۱: ۱۰) همکارى مى کند. جوان: اصلاً متوجه نمى شوم! آن چه مى گویى با آن چه من مى بینم تطبیق نمى کند. در کلیسای من این تعمید یافتگان نیستند که مسؤولیت دارند بلکه کشیشان. اگر تمامی قوم خدا، کاهن خلقت است آن وقت رسالت و مأموریت خادمین کلیسای ما که تو آنها را «کشیش و پیر» نامیدی چه مى شود؟



پیر: منظورت را مى فهمم و به خاطر عادتی که در جامعه ی ما رایج است بر اهمیت مسؤولیت هر فرد تعمید یافته در بطن قوم خدا تأکید نمودم. ولی مطمئنی سؤالت را درست مطرح کردی؟ تو گفتی «یا تمامی تعمید یافتگان کاهن هستند یا فقط پیران و کشیشان». به تو خواهیم گفت: نگوییم «یا این یا آن» بلکه «هم این و هم آن». تعمید یافتگان واقعاً به شیوه ی خود کاهن مى باشند ولی بعضی از آنان جهت خدمت به این قوم گهنة دعوت شده اند تا مسؤولیت دیگری را در جهت خدمت بر عهده گیرند. به یادآور آن چه را که حضرت پولس رسول درباره ی تمامیت عطایا و تکالیف، در نتیجه تفاوت هایشان مى گفت: «نعمت ها انواع است ولی روح همان و خدمت ها انواع است اما خداوند همان... آیا همه رسول هستند یا همه انبیا یا همه معلمان؟...» (۱-قرن ۱۲: ۴، ۵، ۲۹).



اگر درک نمودی که کلیسا مقدس است و هر شخص تعمید یافته به تقدس دعوت شده، جواب سؤال تو واضح است. کلاً تقدس از جانب خدا مى آید ولی البته نه به نحوی منفرد و مستقیم. خدا ما را محبت مى نماید تا آن حد که خواست محتاج تعمید یافتگان جهت نجات دنیا باشد و هم چنین محتاج «پیران و کشیشان» جهت آزاد نمودن و تحقق بخشیدن حضور روح القدس و تقدیس کننده در قلب هر مسیحی و در جمع قوم خدا.

در حالی که اسقف، نقشی مشابه نقش موسا نسبت به قوم یهود به هنگام پیشروی در صحرا به سوی سرزمین موعود را به عهده دارد نقش کشیشان مشابه نقش هفتاد و پنج تن «مشایخی» مى باشد که خدا درباره ی آنها به موسا چنین گفته بود: «از روحی که بر تو است گرفته بر ایشان خواهم نهاد تا با تو متحمل بار این قوم باشند و تو به تنهایی متحمل آن نباشی» (اعد ۱۱: ۱۷).

در واقع، مثل موسا، اسقف، تنها نمى تواند کمال مأموریت خود را نسبت به همه ی ایمانداران و مخصوصاً نسبت به آنها که پراکنده شده اند یا آنها که احتیاجات خاصی، مثل مریضان، تعمید خواستگان، بچه و غیره دارند. علاوه بر این، اولین مأموریتش، اعلام مژده به غیر مسیحیان مى باشد. همان طور که دیدیم، اسقف قبل از این که تصمیمات مهم بگیرد، باید با مشاور خود، تبادل نظر کند و در میان این مشاوران، اول کشیشان، ولی طبعاً نه تنها اینها مى باشند. کشیشان با هم و در مشارکت هم دیگر، اولین هیأت، اسقف خود را که طبق قانون رسولان، در کلیسای خاص خود باید به صورت متصل کار کنند. بنابراین، کشیشان در کهنانت اسقفان خود شریک شده، و زیر نظر در اطاعت به اراده ی خدا که اسقف

تشخیص می دهد، عمل می کند. کشیشان، تحت نظارت وحدت بخش اسقف تکالیفی را به گرد وی انجام می دهند که کم و بیش به تکالیف خود وی شباهت دارند اما این تکالیف طوری هستند که کشیش قادر باشد با هر یک از ایمانداران تماس شخصی برقرار نموده کلام خدا و حضور آرامش بخش، بخشنده و التیام دهنده ی روح خدا را به نزد هر یک از بره ها ببرد، بره هایی که خداوند آنها را دوست می دارد و حزقیال نبی با متهم ساختن شبانان شریر درباره ی آنها چنین گفته است: «ضعیفان را تقویت نمی دهید و بیماران را معالجه نمی نمایید و شکسته ها را شکسته بندی نمی کنید و رانده شدگان را پس نمی آورید و گم شدگان را نمی طلبید... پس بدون شبان پراکنده می شوند و خوراک همه ی حیوانات صحرا گردیده و آواره می گردند» (حزق ۳۴: ۴-۵). به همین دلیل عیسا مسیح یکتا شبان نیکوست:

«عیسا در همه ی شهرها و دهات گشته،
در کنایس ایشان تعلیم داده،
به بشارت ملکوت موعظه می نمود
و هر مرض و رنج مردم را شفا می داد.
چون جمعی کثیر دید،
دلش برایشان بسوخت

زیرا که مانند گوسفندان بی شبان پریشان حال و پراکنده بودند.
آن گاه به شاگردان خود گفت: «محصول فراوان است اما کارگران اندک.

پس از صاحب محصول استدعا نمایید

تا کارگران جهت محصول خود بفرستد» (مت ۹: ۳۵-۳۷).

«از میان مردم اشخاص مجرد یا متأهل انتخاب کن» (تیط ۵: ۱-۹).

کشیشان آن کارگرانی هستند که در اتحاد با اسقف، انجیل را برای همه جویندگان اعلام و

گفته های عیسا را به تمام رنج دیدگان یادآوری می کنند:

«بیا بید نزد من ای تمام زحمت کشان و گران باران

و من شما را آرامی خواهم بخشید.

یوغ مرا بر خود گیرید و

از من تعلیم یابید

زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم

و در نفوس خود آرامی خواهید یافت؛

زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک» (مت ۲۸: ۱-۳۰).



جوان: آیا کشیشان فقط به تعمیر خواستگان خدمت می کنند؟

پیر: سؤالتان تکراری می باشد، زیرا درباره ی اسقفان قبلاً مطرح کرده بودی، ولی باز طبق شورای



اسقفان و اتیکان دو با اقتدار جواب دهیم» کشیشان چون طبق مرتبت خود در مأموریت رسولان شریک هستند، از خدا فیضی دریافت می دارند که ایشان را «خادمین مسیح عیسا نزد امت ها می گرداند، و خدمت مقدس اعلام مژده را اجرا می کنند تا همه ی امت ها، تقدیمی پسندیده و تقدیس شده توسط روح القدس بشوند (ر.ک ۱۵:۱۶). در واقع، اعلام رسولی مژده ی انجیل، قوم خدا را دعوت و جمع آوری می کند تا همه ی اعضای این قوم، توسط روح القدس تقدیس شده خود را به عنوان قربانی زنده، مقدس و پسندیده خدا، تقدیم کنند. (روم ۱:۱۲)»

جوان: همیشه تعجب می کنم که چرا کشیشان مجبورند مجرد بمانند با علم به این که ازدواج یک راز مقدس در کلیسا می باشد و باروری در کتاب مقدس برکت خداوند است (پیدا: ۲۸).

پیر: عیسا آن کاهن بزرگ و رسول ایمان ما ازدواج نکرده است.

جوان: مناسب نبود که عیسا ازدواج کند، زیرا بچه های او از جسم و خون نبوده بلکه از روح القدس هستند. (یو ۳:۵) علاوه بر این، در صمیمیت کامل با پدر آسمانی زندگی می کند و کاملاً به سوی او معطوف می شود (یو ۱:۱، ۱۰:۳۰، ۱۴:۱۱) علاوه بر این همیشه تعجب می کنم که یحیا تعمید دهنده او را به عنوان داماد معرفی می کرد (یو ۳:۲۹).

پیر: خوب فهمیدید که شخص عیسا در صمیمیت مطلق و کامل با پدر زندگی می کند. بنابراین طبق این دنیا در قلب جایی برای همسر و اولاد نیست. اما پدر، نجات ما را به او واگذار کرد، بنابراین او با محبت و اطاعت کامل به پدر آسمانی، نجات ما گناهکاران را بعهده گرفت. پس همسر او کلیسا می باشد که خود را کاملاً بر صلیب به کلیسا بخشید.

جوان: واقعاً عیسا می بایست مجرد و کاملاً پاک بماند، اما چرا کشیشان، این موضوع را خوب درک نمی کنم؟

پیر: اگر کشیش و مخصوصاً اسقف در این راز و مأموریت مسیح شریک شوند، آیا مناسب نیست که مثل مسیح بمانند و کاملاً به ملکوت خدا وقف شده و کاملاً جهت مأموریت و خدمت به انسان ها آزاد بمانند؟ با مجرد ماندن می توانند بدون تقسیم قلبشان، جهت ملکوت آسمانی خدمت کنند. (مت ۱۹:۱۲؛ مر ۱۰:۲۹-۳۰؛ لو ۲۰:۳۵؛ ۱ قرن ۷:۳۲-۳۴).

اما در باب آینده مربوط به راز ازدواج، این موضوع مهم را عمیق تر بررسی خواهیم کرد (موضوع اهمیت راهب در کلیسا) اما درباره ی خادمینش، همیشه کلیسا تشخیص داده که بهتر است کشیشان خود را از میان راهب ها انتخاب کنند و از قرن ۴ به بعد فقط در میان راهب ها، اسقفان را انتخاب می کنند. درباره ی کشیشان، همه کلیساهای قدیم (کاتولیک و ارتدوکس) بهتر می دانند اینها را در میان راهب ها انتخاب کند ولی تنها کلیسای لاتین از قرن ۱۱ این عادت خوب را به صورت قانون اجباری تصویب کرد.

همه کلیساهای شرق (کاتولیک و ارتدوکس) می توانند در میان مردان متأهل، مسیحی خوبی جهت کهنانت برگزینند. دلیل آن خیلی روشن است: اگر برای این خدمت راهبی در دسترس نباشد. نباید جماعت ایمانداران را از نان مقدس محروم کرد که مسیحیان قطعاً به آن احتیاج دارند. طبق سخن مسیح که گفت: «اگر تن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، زندگی در خود نخواهید داشت» (یو: ۶: ۵۳) و می دانید نان بدون کشیش مقدس نیست.

ب- اهمیت و مقام زن در کلیسا:

جوان: حال که کشیش کم داریم، چرا کلیسا قبول نمی کند که زنان را به خدمت کهنانت دعوت کند، با علم به این که اغلب آنان شایسته و فداکار هستند؟



پیر: این سنت و این شیوه ی کار از خود عیسا مسیح سرچشمه می گیرد که رسولان خود را فقط از میان مردان انتخاب کرد، همین موضوع را قبل از عیسا در جهان یهودیت می بینیم که کاهنان فقط مرد بودند اما کلیسا همیشه درباره ی این موضوع رفتار خداوند خود را حفظ کرده و می کند.



جوان: در زمان عیسا این رفتار طبق آداب و رسوم آن زمان بوده زیرا در آن جماعت، مردسالاری حاکم بوده است. اما امروز آداب و رسوم خیلی عوض شده و مخصوصاً در این باب به برابری و تساوی حقوق مرد و زن رسیده ایم.



پیر: از یک دیدگاه درست گفتید: در دنیای معاصر ما بعد از گذر زمان که در آن زن به عنوان شخص حقیرتر که می بایست اسیر هوس مرد باشد، در نظر می گرفتید، امروز عکس العمل قابل فهم تر می بینیم که از یک دیدگاه مثبت تلقی می شود اما بی خطر هم نمی باشد. می توانیم از اطاعتی کامل به مرد قوی به سوی طرز بندگی خطرناک تر برسیم، زیرا اگر زن از مرد تقلید کند نقش هر دو مبهم و درهم می شود. زن اگر مرد را به عنوان الگوی مطلق خود در نظر بگیرد، به بردگی و اسارت مطلق می رسد. در واقع آن سخن شما که گفتید: برابری و تساوی مرد و زن، چه معنایی دارد؟ البته در نقش و اراده ی خدا، مرد و زن در مقام انسانیت برابر هستند و هر نوع تحقیر یا تسلط محکوم می باشد، زیرا کتاب مقدس از زمان روایت خلقت اعلام می کند که مرد و زن بصورت خدا خلق شده اند خدا انسان را به صورت خود یعنی به صورت خدا آفرید (و مرد و زن را آفرید) (پید: ۱: ۲۷). و عیسا نیز هر نوع حقارت نسبت به زن و اخراج همسر را محکوم می کند.



در ارتباط با تساوی آیا شما فکر می کنید که معاوضه نقش زن و مرد شایسته است؟

به خانواده خود توجه کن: مسئولیت و فعالیت پدر و مادر متفاوت می باشد. بنابراین، این دو مکمل یک دیگرند، والابر بچه هایی که در خانواده ای باشند که تعادل این دو نقش متفاوت، حفظ نشده باشد. علاوه بر این به خوبی توجه می کنید که چقدر بچه ای که پدر یا مادرش را از دست داده (بدلیل فوت یا طلاق) در رنج به سر می برد. زیرا پدر نمی تواند نقش مادر را بر عهده بگیرد و برعکس.

حال در انجیل (مخصوصاً لوقا) تعمق کنید، همان طور که عیسا تصمیم گرفته بود که رسولان همه مرد باشند، خادمین کلیسا و در آن مسئولیت های مهمی عهده دار می باشند. اما آیا توجه کردید که اگر رسولان همه مرد باشند. کلیسا عروس می باشد (یو: ۳: ۲۹) و حضرت مریم آن حوای نوین، هم باکره و هم عروس و هم مادر عیسا و هم چنین شمایل کلیسا که به کمال خود خواهد رسید (ر. ک مکا: ۱۲). آیا اهمیت بالای او



در نقشه نجات را می توان با اهمیت رسولان مقایسه کرد؟

البته در این جا نمی توانیم جایگاه اساسی حضرت مریم را یادآوری کنیم زیرا موضوع خیلی وسیعی می باشد و ما نیز قبلاً جایگاه او از زمان مژده ی جبرائیل فرشته تا روز نزول روح القدس را یادآوری کردیم. حال کوشش کنیم حضور زنان و اهمیت آنها طبق عهد جدید درک کنیم. کتابی که نباید فقط از دیدگاه یک مرد بخوانیم، در واقع زنان با فروتنی و بی پیرایگی نزد عیسا و رسولان حضوری مستمر دارند که بدون آن این گروه نمی تواند کار خود را ادامه دهد (لو: ۱: ۳-۸). بهترین مقام (ر. ک لو: ۱۰: ۴۲، ۴۳).

جوان: البته می دانم این زنان تدارک این گروه را به خوبی به عهده گرفته اند و در واقع آن قدر اهمیت نداشتند و علاوه بر این در میان اینها اغلب گناهکار می بوده اند.

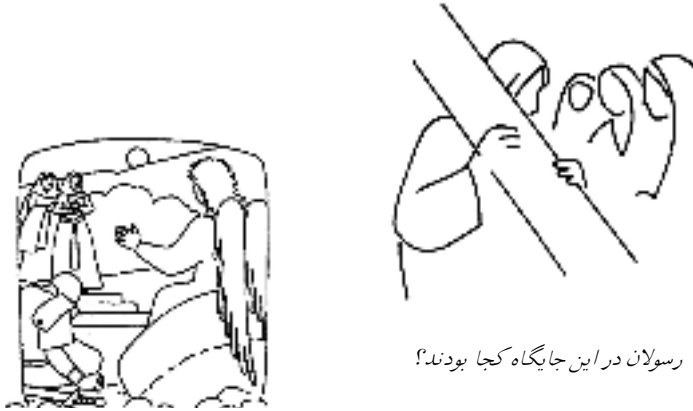


پیر: واقعاً فکر می کنید که این گروه زنان مهم نبودند؟ در انجیل می بینیم برعکس اهمیت بسزایی داشتند. اما توجه کن اگر بعضی ها گناهکار می بودند، قلباً توبه کرده بودند و فروتنی عمیق داشتند تا در حضور همه به گناهانشان اعتراف کرده و ایمان به مسیح را اعلام کنند. (لو: ۷: ۳۷-۵۰). علاوه بر این، اگر بعضی زنان زناکار بودند با مردی در گناه شریک بودند (یو: ۴: ۱۷، ۳۹: ۸-۳-۹) و در انجیل هیچ گاه نمی خوانیم که مردی با هم چنین فروتنی توبه کند. آیا توجه کردید که همه ی فریسیان مرد بودند و برای آنها فروتنی و توبه مطرح نیست.



حال بینیم بعضی از رفتار زنان طبق انجیل که نقش زن نسبت به مسیح، بنابراین در کلیسا به روشنی مشخص می کند مرتامهمان نوازی به عهده گرفته، زمانی که خواهرش مریم نزد پای عیسا نشسته گوش می کند که این رفتار اهمیت بسزایی دارد. (لو: ۱۰: ۳۸-۴۲)، و هم چنین زن کنعانی که با ایمان و فروتنی، شفای دختر کوچکش را بدست می آورد، کاری که عیسا با در نظر گرفتن یهودی با تقوا، نسبت به این زن بت پرست نمی توانست انجام دهد. (مت: ۲۲: ۲۸-۲۲). هم چنین آن زن گناهکار ولی گریان بدون ترس از محکومیت فریسی، نزد عیسا آمده و زانو زده و طلب بخشش میکند و عیسا به شمعون یادآوری می کند که چقدر محبت این زن زیاد است و به او می گوید: «ایمانت تو را نجات داد با آرامش برو» (لو: ۷: ۴۸). هم چنین آن زن دیگر که خونریزی داشته بنابراین ناپاک به

حساب می آمد، با ایمان به خود جرأت داده تا ردای عیسا را لمس کند و شفا یافته و باز عیسا به او میگوید: «ایمانت تو را شفا داده» (لو ۸: ۴۸).



رسولان در این جایگاه کجا بودند؟

همان طور که اکنون دیدیم ایمان این زنان باعث محبت عمیقی است که عیسا به فریسیان اشاره می کند، دارد. این بیوه زن فقر به رسولان نیز (تمام دارایی خود را به صندوق معبد ریخته)، اشاره میکند چون این نیز پر از محبت بود. ضمناً چند روز قبل از قربانی خود بر صلیب به زنی پر از محبت اجازه میدهد که تمام پس انداز خود را ظاهراً بیهوده از بین ببرد، چون عطری گرانها بر پاهای عیسا ریخت و تمام خانه پر از بوی عطر شده. (یو ۱۲: ۳). بعضی از پدران کلیسا توضیح داده اند که این خانه در واقع کلیسا هست که مملو از عطر محبت می باشد.

سپس به اورشلیم می رسیم و آن گروه زنان را می بینیم که با وفاداری کامل از جلیل به دنبال عیسا آمدند (لو ۲۳: ۴۹) و در غم از دست دادن عیسا شریک شده و برایش گریه کردند و حتا همراه با مریم عذرا در پای صلیب ایستاده و با همدردی جسد عیسا را تا قبر همراهی کردند (لو ۲۳: ۴۹-۵۶) همین زنان در جای دیگر زمانی که عیسا را دستگیر کردند، تمام رسولان او را رها کرده و از ترس فرار کردند (مر ۱۴: ۵۰-۵۱) باز در بامداد روز یکشنبه همان زنان پرمحبت با عجله به سوی قبر عیسا شتافتند تا عیسا را با آخرین محبت های خود تطهیر کنند (لو ۲۱: ۱-۲) و قبر خالی را پیدا کرده به رسولان شهادت دادند، اما آنها سخانشان را نپذیرفتند (لو ۲۴: ۰-۱۲) اما مریم مجدلیه نزد قبر مانده و با یقین می خواهد که شخصی را که قلباً محبت می کند، پیدا کند که در آن لحظه عیسا بر او ظاهر شده و دعوتش می کند که ایمانش را عمیق تر ساخته، به اتحاد و صمیمیت عرفانی برسد «دیگر این طور مرا لمس نکن ولی پیش برادران من رفته، آنان را مژده ده...» (یو ۲۰: ۱۷)، بنابراین این زن بخاطر محبت عمیقش، رسول رسولان گشت.

باز این زنان وفادار قبل از آمدن روح القدس همراه با رسولان در نیایش شرکت و همکاری می

کنند (اع: ۱۴) و در این کتاب نیز می‌بایست به همکاری زنان متعددی با پولس رسول اشاره کنیم. اما فعلاً این برای ما کافیست.

در نتیجه رفتار اساسی زن طبق انجیل، ایمان پر از فروتنی، از خود گذشتگی، سکوت، حضور همراه با وفاداری، استغاثه، اتحاد عرفانی به عیسا و شهادت به ایمانداران می‌باشد. آیا در انجیل در رفتار زنی شک، تردید یا عداوت یا انتقاد از عیسا و رفتار او، پیدا کرده‌اید؟ با علم به این که در مردان و حتا در رسولان موضوع خیلی فرق می‌کند.

این رفتار زنان در انجیل اهمیت خود را بخاطر عطایای روحانی خاص خود، حتا در کلیسای امروز به ما نشان می‌دهد. اگر رسولان خادمین می‌باشند، زنان در قلب کلیسا توسط محبت خودشان جای دارند و اگر بخواهند این عطایای روح القدس که بیشتر جنبه ی عرفانی دارند را رها کنند تا جایگاه رسولان و خادمین را بگیرند، چقدر برای کلیسا زیان آور خواهد بود. تفاوت بین عطایای زنان و مردان جهت همکاری، اساسی می‌باشند (۱- قرن ۱۲: ۲۹، ۱۳: ۱۳). البته مردان تا اندازه‌ای در عطایای روحانی خاص زنان شریک می‌باشند و برعکس. در امور دنیوی نیز یک کارشناس از امور خوب مطلع است اما نه بدین معنا که دیگران هیچ نمی‌دانند.

مثلاً یک نویسنده ماهر، کتاب‌های متعددی می‌نویسد اما بدین معنی نیست که دیگران بی‌سواد می‌باشند. اگر مردان در کلیسا عطایای اداره و اعلام کلام دارند و زنان عطایای محبت عرفانی و همدردی نسبت به بیچارگان دارند، مرد نیز می‌تواند یک عارف عمیق شود و زن نیز به خوبی تفسیر انجیل و تعلیم کلیسا را می‌تواند ارائه دهد اما فرق عطایا را باید حفظ کرد، جهت همکاری پرثمر در یک تن که مسیح سر آن می‌باشد.

ج- مأموریت شماسان

جوان: چرا علاوه بر کشیشان به شماسان نیز اشاره کردید؟ و کلمه ی شماس چه معنایی دارد؟
پیر: واژه ی شماس که از زبان‌های سامی گرفته شده در زمان‌های قدیم به خادمین آیین خورشید پرستی (شمس) اطلاق می‌شد. در عهد جدید به زبان یونانی واژه ی «diacon» به کار رفته که به معنای خادم است. شماسان به خدمتگزاری دعوت می‌شوند تا خدمت عیسای «رنج دیده»، که پاهای شاگردان خود را شست و نیز خدمت «خادم رنج‌دیده» را که اشعیای نبی درباره اش چنین گفته بود:

«بنده ی عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهم گردانید» (اش ۵۳: ۱۱) ادامه دهند.

در ابتدا، هفت شماس مأمور شدند به هنگام صرف غذای جماعت مسیحیان «مائده‌ها را خدمت کنند» (اع: ۶: ۲)، «زیرا بعضی بیوه زنان در خدمت یومیه (تقسیم خوراک روزانه) بی بهره می‌مانند» (اع: ۶: ۱) تا رسولان بتوانند خود را به عبادت و خدمت کلام بسپارند (اع: ۴: ۶).

بنابراین مأموریت زیبای شماسان عبارت است از خدمت به فقرا و نیز خدمت بر سر مائده ی تن و



خون مسیح، یعنی توزیع خوردنی های دنیوی به فقرا و نیز کلام نان آسمانی به ایمانداران در مراسم عشاء ربانی.

جوان: به نظر من، این گونه که در کلیسای خود می بینیم، نسبت به کشیشان شماسان، کمتر اهمیت دارند، و کلیسای ما فقط شماسانی دارند که مأموریت آنها سرود خواندن و خدمت کردن به کشیش در آیین مذهبی می باشد!

پیر: توجه کنید که شماسان، به مرتبت شماس رسماً تقدیس شده، و البته در آیین مقدس، بسیار خوب خدمت می کنند و باید از ایشان تشکر کرد. اما درباره ی شماسان، آیا واقعاً فکر می کنید که خدمت آنها بی اهمیت می باشد؟ اعلام کردن کلام خدا و خدمت به فقیران از طرف اسقف، خدمت مهمی می باشد، و گاهی اوقات، بهتر می بود که تعداد آنها بیشتر شود تا اسقف بتواند به کارهای اصلی و مهم خود بهتر برسد. در نتیجه، یادآوری کنیم که شورای واتیکان آرزو داشت که خدمت شماسان در کلیساها احیا شود.



د- مأموریت راهب و راهبه ها

جوان: چرا در این جا هیچ اشاره ای به راهب و راهبه ها نگردیده، با علم به این که در کلیسای ما، کارهای مهم و برجسته انجام می دهند؟

پیر: البته. کارهای کاملاً پسندیده و حتا ضروری انجام می دهند، اما این کارهای پسندیده را در ارتباط با راز تعمید و تثبیت روح القدس باید در نظر گرفت. و خودتان دیدید که به ایشان راز دیگری نمی دهند. عیسا آنها را دعوت نموده که به صورت خاص و کامل مژده های سعادت را در زندگی خودشان برپا کرده و هیچ تعلق خاطری به این دنیای خاکی نداشته باشند. شهادت می دهند که خدا کافی است. بنابراین، هیچ چیز را متعلق به خود نمی دانند و کوشش می کنند که در فقر عیسا زندگی کنند و هم چنین تمام وجودشان را به خدا تقدیم کرده در مجرد وقف شده زندگی میکنند (۱ قرن باب ۷؛ مت ۱۹: ۱۲)، یادآوری می کنند که کلیسا عروس مسیح است. علاوه بر این، قول می دهند که از مسئول خود کاملاً اطاعت کرده، چون وظیفه ی تشخیص دادن اراده ی خدا به او واگذار کرده اند. بنابراین، کاملاً از امور دنیوی فارغ شده، جهت نیایش و خدمت به هم نوعان زیر نظر اسقف در راه های مختلف طبق دعوت خاص انجام وظیفه می کنند.



مادر تـرزـا

۵- نتیجه گیری: اقتدار عیسا و اطاعت از او، یکتا شبان بزرگ

همه ی ما می خواهیم شاگردان عیسا مسیح بشویم. شاگرد حقیقی، کلام استادش را گوش می دهد و با محبت از او اطاعت می کند:

«خداوند یهوه... هر بامداد بیدار می کند،

گوش مرا بیدار می کند تا مثل شاگردان بشنوم.

خداوند یهوه گوش مرا گوشود

و مخالفت نکردم و از او دوری نکردم» (اش ۵۰:۴-۵).

همانند عیسا، پسر یگانه که اراده ی پدر را تا به صلیب انجام داد، شاگردش نیز همان کار را در رابطه با کلام انجام می دهد:

«هم چنان که پدر مرا محبت نمود

من نیز شما را محبت نمودم،

در محبت من بمانید.

اگر احکام مرا نگاه دارید

در محبت من خواهید ماند

چنان که من احکام پدر خود را نگاه داشته ام

و در محبت او می مانم» (یو ۱۵:۹-۱۰).

این چنین است رفتار عیسا پسر یگانه تا به صلیب:

«هر چند پسر بود به مصیبت هایی که کشید

اطاعت را آموخت و کامل شده

جمع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت» (عبر ۵:۸-۹).

هم چنین رفتار فرزند خوانندگان این چنین است تا در مشارکت باقی بمانند. آنها از او امر خدا اطاعت می کنند اما نه به خاطر قانون و اجبار.

جوان: البته این تعریف از شاگرد و اطاعت فرزندان برای من بسیار خوشایند است. اما چگونه اراده ی پدر را تشخیص دهیم تا بتوانیم فرزندان او بمانیم؟



پیر: همان طور که می دانی، عیسا ما را در کلیسایی که خودش پایه گذاری نمود گرد هم آورد و روح القدس بر آن قرار داد تا همگی با هم به دنبال او برویم. در کلیسا، انجیل را به ما داد تا به او گوش دهیم و به شیوه ای حقیقی کلام او را کشف نماییم. به علاوه در کلیسا ما را به دست شبانانی سپرد که خود آنها را انتخاب و تقدیس نمود تا مجمع فرزندان خدا را سرپرستی و هدایت نمایند و نیز تا همراه آن و برای آن، اراده ی خدا را که ما را در مشارکت با خودش و مشارکت با یک دیگر نگاه می دارد تشخیص دهند. این تشخیص یکی از وظایف مهم ولی ظریف و دقیق اسقفان و همکارانشان می باشد.





جوان: بله، آنها شبانان می باشند و ما گوسفندان...

پیر: شاید بدون این که جرأت بیان آن را داشته باشی فکر می کنی: «ما گوسفندان بی زبان هستیم که کاری جز اطاعت کردن نداریم...» اما این رفتار تحریفی است از اقتدار هم چنین تحریف اطاعت در کلیسا، همگی ما، چه اسقف و چه کشیش، یا ایمانداران معمولی، قبل از هر چیز شاگردانی هستیم که با هم اراده خداوند عیسا را جستجو می نماییم و همه تعمیدشدگان هستیم که روح القدس را دریافت نموده ایم پس می توانیم در این تشخیص اراده ی خدا در زندگیمان و نشانه هایی که خدا به ما میدهد شرکت نماییم. پس هیچ تعمید یافته ای در کلیسا نمی تواند منفعل و خاموش باقی بماند. ما تحت نیروی محرکه ی روح القدس یک دیگر را متقابلاً به شنیدن کلام عیسا و بنابراین یافتن اراده ی پدر، تشویق و ترغیب می کنیم: به همین علت قبل از هرگونه تصمیم مسئولان، گفت و شنود و مشورت برای تشخیص، ضروری و لازم می باشد هم چنان که سکوت و دعا لازم است. اما به عهده ی مسئول است که در اطاعت از اراده ی خدا تصمیم گیری کند همان طور که شاگرد بایستی با ایمان، اراده ی خدا را که توسط مسئول مربوطه روشن شده، بشنود. زیرا کار خدا نه بر تجزیه طلبی بلکه بر طبق مسئولیت هایی که هر یک از ما در جای خودش، در فروتنی و اطاعت مشترک از اراده ی یگانه استاد پذیرفته ایم تحقق می پذیرد. حضرت پولس رسول ما را به چنین اطاعت متقابل سفارش می کند: «هم دیگر را در خداترسی اطاعت کنید» (افس: ۵: ۲۱).

مسئول یاد خواهد گرفت که چگونه با نگاه کردن به عیسا عمل کند: زمانی که شاگردان گم می شوند، او می داند با چه روشن بینی و توانایی آنان را بازیابد (برای مثال رفتار عیسا نسبت به پطرس: مت: ۱۶: ۲۳؛ یو: ۲۱: ۱۵)، او هم چنین با فروتنی پاهایشان را می شوید و بدین سان کلیسا را در وحدت گرد هم می آورد (یو: ۱۳: ۴). برعکس، غرور رحبعام پسر سلیمان و ناکافی بودن مشورتش با پیران قوم باعث به وجود آمدن انشقاق و تفرقه ای دردآور در میان قوم خدا گشت (۱- پاد: ۱۲، ۱۳). ایماندار معمولی نیز یاد خواهد گرفت که همیشه با ایمان بیشتری خدا را اطاعت کند، او با تشخیص اراده ی خدا باید همکاری کند، اما زمانی که تصمیم توسط مسئول گرفته شد می پذیرد که خدا از انسان فقیری استفاده می کند تا اراده اش را برای ما بیان نماید، طبق کلام عیسا به شاگردانش:

«هر که به شما گوش دهد، به من گوش داده است

هر که شما را رد کند مرا رد کرده است

و هر که مرا رد کند فرستنده ی مرا رد کرده است» (لو: ۱۰: ۱۶)

بدین طریق، اقتدار به نام یگانه شبان انجام می گیرد و اطاعت از اراده اش مانند هر اطاعتی، تنها اطاعت از مسئول نیست بلکه توسط میانجی او، اطاعت از خداست. توسط اطاعت در بطن کلیساست که ما در مشارکت با خدا و با یک دیگر باقی می مانیم.

استغاثه شفاعت**+ خداوندا بر ما رحم فرما +**

خدای همه تن‌ها و سرور همه ارواح، بخشاینده متبارک همه برکت‌ها، خداوندا و ای منجی، نام تو بر زبان ماست.

اسقف ما را تقدیس فرما، وی را از هر وسوسه‌ای در امان دار، به وی حکمت و معرفت عطا فرما، وی را به راه فقرت رهنمون باش.

برای کشیشانی که او را همراهی می‌کنند به درگاه تو نیایش می‌کنیم، آن‌ها را تقدیس فرما و به آنان حکمت معرفت و عقیدتی محکم عطا فرما تا راستی تو را با دقت عاری از خطا به ما عنایت کنند.

همچنین به خاطر شما سان به تو نیایش می‌کنیم، باشد که آنان خدمات خود را با وجدانی راست به انجام رسانند و از تن و خون گرانبهای تو مراقبت نمایند.

ما بخاطر همه کسانی که تو در نزعت قلوبشان، به خود اختصاص داده‌ای نیایش می‌کنیم. از زندگانی آنان کانونی از نیایش، صلح و محبت برای بشریت فراهم آور.

برای همه کسانی که در محبت زناشویی به سر می‌برند و برای خانواده‌هایشان دعا می‌کنیم، آنان را این موهبت ارزانی فرما که هر روز در نیروی راز مقدس خود تازه شده و شاهدان رستاخیز تو باشند.

سرانجام به درگاه تو نیایش می‌کنیم برای کسانی که تو را محبتی پایان‌ناپذیر و حیات بخش هستی نمی‌شناسند اما در خلوص نیت خود تو را می‌جویند.

(نظامنامه رسولی)

سؤال برای تعمق بیشتر:

۱. چگونه رسولان قدرت‌ها و مسئولیت‌هایی که عیسا به ایشان داده بود منتقل ساختند؟ چگونه امروز این قدرت‌ها را یافته‌اند؟
۲. چرا در آیین مقدس، کلیسا برای پاپ، اسقفان و همکارانشان استغاثه می‌کند؟
۳. آیا طبق فرمان عیسا که گفته بود: «حصاد بسیار است و عمله کم پس از صاحب حصاد درخواست کنید تا عمله‌ها برای حصاد خود یفرستند» (لو: ۱۰: ۲)، همیشه دعا می‌کنیم که خداوند در میان ما، خادمینی را طبق قلب خود دعوت کند و نیز دعوت شدگان بتوانند با قدرت روح القدس جواب دهند؟
۴. اگر در خانواده‌ی ما یکی از فرزندان به خدمت دعوت شده است، مانع برای جواب او هستیم یا او را خدمت می‌کنیم؟
۵. آیا مکرراً برای خادمین ما دعا می‌کنیم، یا بیشتر از آنها انتقاد می‌نماییم؟ «چون انتقاد کردن آسان است، عمل کردن دشوار».

کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

- اسقف
- بعد از رسولان اسقفان
- تکامل خدمت‌ها در کلیسای اولیه
- خادمین در کلیسا
- آیین دستگذاری اسقفان
- مراسم دستگذاری کشیشان